

سال دوم شماره ۱۵

مهر-آبان ۱۳۶۲

اکتبر-نوامبر ۱۹۸۳



نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریک‌های خلق ایران در خارج از کشور

اشغال سفارت رژیم جمهوری اسلامی در بلژیک و ۵ دفتر هواپیمائی ایران در کشورهای

آلمان،

انگلستان،

اتریش،

فرانسه

و هند



دهها مزدور به لاکت رسیدند!

طبق اخبار واسطه از گردستان، روز
ختم مهرماه سه کیلومتر از جاده باسـه
سبز به کنترل رفقای پیشمرگ سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات
درمی آید. در ساعتی اول درگیری بـگ
لندروور دشمن به کمین می افتد که دو نفر
کشته و دو نفر دستگیر میشوند. نیروهای
رویم به کمک مزدوران به کمین افتاده
می آیند و درگیری شدت می یابد. طی این
عملیات جمعا ۲۲ تن از مزدوران رژیم کشته
میشوند. مردمی که سوار اتوبوسها بودند و
اگاهی منطقه، هبگی ناظر بر صحنه عملیات
بودند، تعدادی اسلحه نیز به غنیمت گرفته
ند و مزدوران با به جا گذاشتن ۱۰ جسد،
مجبور به فرار شدند.

ساعت ۶ صبح روز نهم سهرام به تلافی حمله روز قبل، نیروهای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به روستاهای بیرمجران و قل قل حمله ور میشوند و در آنجا با نیروهای پیشمرگه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، حزب دمکرات و چریکهای فدائی روبرو میشوند. نبرد سختی در میگیرد و جمعا ۵۵ نفر از مزدوران رژیم کشته میشوند و سرانجام سقیه نیروهایشان عقب نشینی میکند، تعدادی جسد بجای میماند که به تن از آنان تاکنون شناسائی شده اند. این سه تن عبارتند از: ۱- علی شیمی از گروهان نور، ۲- علی عسگری، ۳- یاسدار و ۳- حسین حبیبی، جاش

در این عملیات یک دستگاه کالبر ۶۸ و یک خودرو دشمن منهدم شد. غنائم بدست آمده شامل : ۱- یک دستگاه ماشین، ۲- ۵۵۵۶ گلوله کالبر ۶۸، ۳- تعدادی کلاشکوف و ۴- و ۵- تعدادی وسایل نظامی دیگر.

اسرا عبارتند از: ۱- محمد پورمهدی ۲- غلامرضا حسن زاده .

مناسباته در این درگیری رفیق مطلق،
 رسولی از پیغمبران ازمان چریکهای فدائی
 خلق ایران به شهادت رسید. یک نفر از
 پیغمبران ازمان و یک نفر از پیغمبران
 حزب دمکرات نیز مجروح شدند.

در تاریخ ۱۵ مهر ماه ۱۳۶۲ چند واحد از رفقای پیشمرکه سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران در جریان یک گشت بعد از وارد آوردن ضربات پستی در پی به نیروهای رژیم در روستاهای حمزه، قربیا و سیاه دره در منطقه ستر با مزدوران رژیم درگیر شدند در صفحه ۱۲

1575

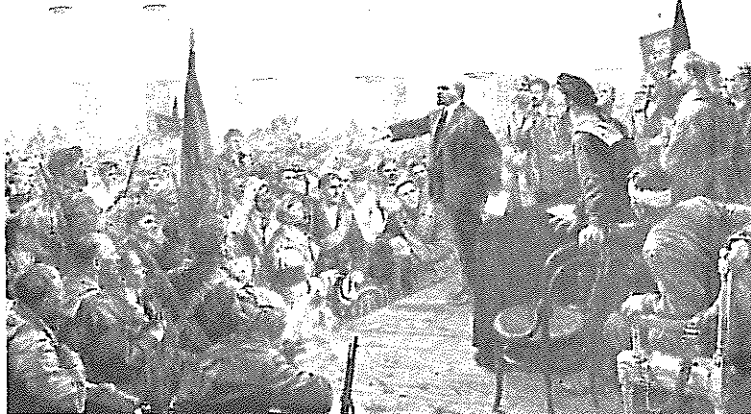
A handwritten signature in black ink, appearing to be "A. H." or similar, located at the bottom left of the page.

SEPTEMBER OCTOBER

شماره	تاریخ	موضوع	محل	ملاحظات	تاریخ	موضوع	محل	ملاحظات
۱	۱۵				۲۳	۸	۱۵	
۲	۲۰	۸	۷	۶	۲۱	۲۹	۱۱	۲۸
۳	۲۵	۱۵	۱۴	۱۳	۲۲	۲۱	۱۴	۱۳
۴	۲۶	۲۲	۲۱	۲۰	۲۳	۲۱	۲۰	۱۹
۵	۲۷	۲۳	۲۲	۲۱	۲۴	۲۲	۲۱	۲۰
۶	۲۸	۲۴	۲۳	۲۲	۲۵	۲۳	۲۲	۲۱
۷	۲۹	۲۵	۲۴	۲۳	۲۶	۲۴	۲۳	۲۲
۸	۳۰	۲۶	۲۵	۲۴	۲۷	۲۵	۲۴	۲۳
۹	۳۱	۲۷	۲۶	۲۵	۲۸	۲۶	۲۵	۲۴
۱۰	۱	۲۸	۲۷	۲۶	۲۹	۲۷	۲۶	۲۵
۱۱	۲	۲۹	۲۸	۲۷	۳۰	۲۸	۲۷	۲۶
۱۲	۳	۳۰	۲۹	۲۸	۳۱	۲۹	۲۸	۲۷
۱۳	۴	۳۱	۳۰	۲۹	۱	۳۰	۲۹	۲۸
۱۴	۵	۱	۳۱	۳۰	۲	۳۱	۳۰	۲۹
۱۵	۶	۲	۱	۳۱	۳	۱	۳۱	۳۰
۱۶	۷	۳	۲	۱	۴	۲	۱	۳۱
۱۷	۸	۴	۳	۲	۵	۳	۲	۱
۱۸	۹	۵	۴	۳	۶	۴	۳	۲
۱۹	۱۰	۶	۵	۴	۷	۵	۴	۳
۲۰	۱۱	۷	۶	۵	۸	۶	۵	۴
۲۱	۱۲	۸	۷	۶	۹	۷	۶	۵
۲۲	۱۳	۹	۸	۷	۱۰	۸	۷	۶
۲۳	۱۴	۱۰	۹	۸	۱۱	۹	۸	۷
۲۴	۱۵	۱۱	۱۰	۹	۱۲	۱۰	۹	۸
۲۵	۱۶	۱۲	۱۱	۱۰	۱۳	۱۱	۱۰	۹
۲۶	۱۷	۱۳	۱۲	۱۱	۱۴	۱۲	۱۱	۱۰
۲۷	۱۸	۱۴	۱۳	۱۲	۱۵	۱۳	۱۲	۱۱
۲۸	۱۹	۱۵	۱۴	۱۳	۱۶	۱۴	۱۳	۱۲
۲۹	۲۰	۱۶	۱۵	۱۴	۱۷	۱۵	۱۴	۱۳
۳۰	۲۱	۱۷	۱۶	۱۵	۱۸	۱۶	۱۵	۱۴
۳۱	۲۲	۱۸	۱۷	۱۶	۱۹	۱۷	۱۶	۱۵
۳۲	۲۳	۱۹	۱۸	۱۷	۲۰	۱۸	۱۷	۱۶
۳۳	۲۴	۲۰	۱۹	۱۸	۲۱	۱۹	۱۸	۱۷
۳۴	۲۵	۲۱	۲۰	۱۹	۲۲	۲۰	۱۹	۱۸
۳۵	۲۶	۲۲	۲۱	۲۰	۲۳	۲۱	۲۰	۱۹
۳۶	۲۷	۲۳	۲۲	۲۱	۲۴	۲۲	۲۱	۲۰
۳۷	۲۸	۲۴	۲۳	۲۲	۲۵	۲۳	۲۲	۲۱
۳۸	۲۹	۲۵	۲۴	۲۳	۲۶	۲۴	۲۳	۲۲
۳۹	۳۰	۲۶	۲۵	۲۴	۲۷	۲۵	۲۴	۲۳
۴۰	۳۱	۲۷	۲۶	۲۵	۲۸	۲۶	۲۵	۲۴
۴۱	۱	۲۸	۲۷	۲۶	۲۹	۲۷	۲۶	۲۵
۴۲	۲	۲۹	۲۸	۲۷	۳۰	۲۸	۲۷	۲۶
۴۳	۳	۳۰	۲۹	۲۸	۳۱	۲۹	۲۸	۲۷
۴۴	۴							

- | | |
|---|-----------------|
| آغاز جنگ ایران و عراق | ۱ مهر ۱۳۵۹ |
| امضا قراردادهای جدید رژیم کودتا با آمریکا برای ورود کالاهای بیشتر به ایران | ۲ مهر ۱۳۳۲ |
| شهادت رفیق فدائی، مجروح ابراهیمی | ۹ مهر ۱۳۵۱ |
| تاسیس رسمی "حزب توده ایران" | ۱۵ مهر ۱۳۲۵ |
| امضا یکی از قراردادهای نظامی بین ایران و آمریکا که نفوذ آمریکا را در ارتش ایران افزایش داد. | ۱۳ مهر ۱۳۲۶ |
| شهادت فدائی خلق، رفیق کبیر سیامک اسدیان (رفیق اسکندر)، فدائی خلق، رفیق سعید بربری و فدائی خلق رفیق علیرضا صفری | ۱۳ مهر ۱۳۶۵ |
| محاکمه ۱۴ نفر از متهمین حادثه کاخ مرمر | ۱۴ مهر ۱۳۴۴ |
| شهادت رفیق میگوئل انریگو، رهبر سازمان انقلابی میر در نیلی | ۱۴ مهر |
| اولین تظاهرات مردم بعد از کودتای ۲۸ مرداد | ۱۶ مهر ۱۳۳۲ |
| شهادت ارستو چهگوارا | ۱۶ مهر |
| اعدام ۷ نفر از انقلابیون گروه آرمان خلق | ۸ (اکتبر ۱۳۵۵) |
| اعتصاب ۵ روزه و موفق کارگران بندر تاهور برای اضافه دستمزد | ۱۷ مهر ۱۳۳۷ |
| پیوستن ایران به پیمان بغداد از طرف دولت علاء | ۱۹ مهر ۱۳۳۴ |
| تشکیل جبهه ملی ایران توسط دکتر محمد مصدق | ۲۲ مهر ۱۳۲۸ |
| تشکیل نخستین گروه سوسیال دمکرات در تبریز | ۲۴ مهر ۱۳۸۷ |
| تصویب قانون عفو عمومی زندانیان سیاسی در مجلس دوازدهم | ۱۶ (اکتبر ۱۹۵۸) |
| اخراج وزرای "توده‌ای" از کابینه قوام السلطنه | ۱۴ مهر ۱۳۲۵ |
| قطع رابطه سیاسی دولت ملی دکتر مصدق با انگلستان | ۲۴ مهر ۱۳۲۱ |
| تبریران نخستین گروه (۱۵ نفری) افسران حزب توده | ۲۷ مهر ۱۳۳۲ |
| رسمی‌یافتن موافقتنامه "ساعد دریفونی" که به موجب آن ژاندارمری ایران برای "تجدید سازمان" در اختیار افسران آمریکایی قرار گرفت. | ۲۹ مهر ۱۳۳۲ |

سا لنگردا سلاط کبرو سالتیستی اکسیرا ایدرولنا ریای سراجیجان شریک میگوینم



مقاله

رژیم و مسئله جنگ

به سال از جنگ خانمان برانداز و ارتجاعی دولتی ایران و عراق میگذرد. دیگر نه تنها از آن هیانات و احساسات ناسیونال شوونیستی برانگیخته شده اولیه در میان مردم خبری نیست، بلکه همراه با فرو ریختن توهمات توده ها نسبت به رژیم و مشاهده بی حاصلی و عدم حقانیت ماهیت این جنگ، نفرت و نارضایتی مردم از ادامه آن گسترش یافته است. بطوریکه بعد از کسب نوجوانان ناکاه و دانش آموزان دبستانی به جبهه ها، امروز دیگر رژیم برای سر باز گیری علناً به زور و تهدید متوسل شده است. مردم شاهد بوده اند که حامل این جنگ احتماله هیچ چیز نبوده است جز کشتار جوانان، ویرانی، گرانگیزی و نیازهای روزمره، خفقان و سرکوب فزاینده، به آتش کشیده شدن تاسیسات ملی و نابودی و آلوده گشتن منابع طبیعی و محیط زیست از "دست آوردهای" اولیه جنگ بوده است. برای مثال طی ماههای گذشته بر اثر حمله مویشهای عراق و آسیب دیدن چاه شماره ۳ نوروز واقع در خلیج فارس، هر روز حدود ۱۵ هزار بشکه نفت به داخل آبهای خلیج فارس نشست کرده است و به تاسیسات آب کشورهای منطقه و به حیوانات و منابع دریایی خلیج آسیب های زیادی وارد آمده است.

خسارات مالی جنگ را تاکنون بیش از ۲۵۰۰ بیلیون دلار برآورد کرده اند. میزان خسارات مربوط به نیروی انسانی (از هر دو طرف) قابل محاسبه و سنجش نیست. رقم کشته شدگان به صدها هزار میرسد. دیگر کمتر خانواده ایرانی یا عراقی را میتوان یافت که عزیزی را در جنگ از دست نداده باشد. مردم شاهد بوده اند که دست آورد این رژیم مرگ آفرین برای حامیان عقب مانده شان "شهادت" و برای مخالفانش زندان، شکنجه و اعدام بوده است. مردم شاهد بوده اند که دلیل اصلی اصرار رژیم بر ادامه جنگ همانا استفاده از حربه جنگ برای ساکت کردن مردم است. رژیم همواره سعی کرده است از یک طرف ناتوانی های خود را در پاسخگویی به مشکلات اقتصادی جامعه، به بهانه جنگ توجیه کند و از طرف دیگر هر

فهرست مطالب

۴	اشغال سفارت و ۵ دفتر هواپیمائی رژیم
۶	قطعنامه آکسیون سراسری
۶	"نیم پهلوی" متریک امپریالیسم
۷	اشغال دفتر هواپیمائی ایران در فرانکفورت
۸	اخبار ایران
۱۱	اطلاعیه کمیته خارج از کشور سازمان چ ف خ ا
۱۲	حمله قهرمانان شهید پیشمرگان سازمان چ ف خ ا به پایگاه قلاوا
۱۳	اخبار رجهان
۱۳	گرانادا
۱۷	مجاهدین: شکست یک استراتژی (بخش سوم)
۲۱	شیلی: میراث شوم پینوشه
۲۴	اخبار رجنیش دانشجوئی
	اطلاعیه سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکا تلند
۲۶	و ولز
۲۷	دیدگاه مادر رابطه همکاری با سایر نیروهای سیاسی
۳۲	از خون شهدای دانشگاه شرم کنید
۳۴	شقایق های خونین لرستان
۳۵	ادبیات زندان: دفاعیات هوشنگ ترگل
۳۷	داستان: لنین در مخفیگاه (دفترچه آبی)
۴۱	چرا مجاهدین سیاست "حزب فقط حزب الله" را پیشه کرده اند
	درک مادی از تاریخ: بحث چهارم - رابطه تولیدی و ساخت
۴۲	اقتصادی
۴۶	از خوانندگان
۴۷	موقعیت اقتصادی خرده بورژوازی
۴۸	جدول
۴۹	شعر
۵۰	کمک های مالی و آدرس سازمانهای هوادار
۵۱	گرامی با دخالطه

رفته است که راه برون رفتی از آن ندارد. چرا که تشدید نارضایتی مردم و افزایش کشتارها و مخارج سنگین جنگ ساقطی است که موقعیت رژیم را در فشار گذاشته است اما از طرف دیگر "برکات" جنگ و ضرورت های بقیه در صفحه ۳۰

گونه اعتراض و مخالفتی را به بهانه شرایط جنگی و "همدانی با مدام" در نطفه خفه سازد. برای بسیاری از مردم دیگر روشن شده است که جنگ حکم شیعه عمر رژیم را پیدا کرده است. رژیم در بن بستی فرو

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

اشغال سفارت رژیم جمهوری اسلامی در بلژیک و

۵ دفتر هواپیمائی ایران در کشورهای

آلمان، اتریش، انگلستان، فرانسه و هند

اطلاعیه

هم میهنان مبارز، مردم سراسر جهان!

روز دوشنبه ۷ نوامبر (۱۶ آبانماه ۱۳۴۲) هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بعنوان اعتراض به کشتار، شکنجه، تیرباران زندانیان سیاسی و سرکوب خلق گرد توسط رژیم جمهوری اسلامی، اکسپونهای در کشورهای - بلژیک، فرانسه، هندوستان، انگلستان، اتریش، آمریکا، سوئد و کانادا برگزار نمودند در همین رابطه رفقای هوادار در ایتالیا نیز روز ۹ نوامبر دست به اعتصاب غذا زدند.

در ساعت ۱۵ و ۹ دقیقه سفارت رژیم جمهوری اسلامی در بلژیک به تصرف رفقای هوادار - سازمان درآمد. پس از آن دفتر هواپیمائی ایران در فرانسه، انگلستان، اتریش - هندوستان اشغال شد. همچنین در سوئد آمریکا و کانادا نیز اکسپونهای جهت افشاکری جنایات رژیم برگزار گردید. در بلژیک سرانجام ساعت ۹ و ۵۰ دقیقه پلیس بلژیک به محل سفارت در بروکسل حمله کرد و ساعت ۱۲ تعدادی از رفقای هوادار را بازداشت نمود. طی مدتی که سفارت رژیم در - بلژیک در اختیار رفقای هوادار قرار داشت، آنها ضمن برگزاری مصاحبه‌ای پیرامون جنایات رژیم، موفق شدند اسنادی را نیز از سفارت خارج کنند.

اسناد و مدارک و متن قراردادهای بدست آمده از سفارت حاکی از وابستگی همه جانبه رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیست هاست. در این باره پس از بررسی اسناد مذکور چگونگی آن متعاقبا به اطلاع خواهید رسید.

بلژیک - بروکسل

ساعت ۹/۱۵ دقیقه صبح روز دوشنبه ۷ نوامبر، سفارت جمهوری اسلامی در بلژیک توسط هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران اشغال شد. رفقای مبارز در همان اولین دقیق مقابله با عناصر فاشیست را در هم شکسته و به سه نفر از فاشیست های مسلح اجازه استفاده از اسلحه شان را ندادند

هم میهنان مبارز، مردم سراسر جهان!

در ترائی که هرروزه اخبار و گزارشات جنایات تازه رژیم جمهوری اسلامی بگوش میرسد، در ترائی که پیرزنان، پیر مردان، - زنان با ردار و کودکان توسط رژیم جمهوری اسلامی به جوخه های اعدام سپرده میشوند و انقلابیون در زیر شکنجه های قرون وسطائی پوزخند میزنند. در ترائی که کودکان و - نوجوانان به بیانه رفتن به بهشت از مدرسه به جبهه های جنگ اعزام میشوند و تاکنون ده ها هزارتن در جبهه های جنگ علیه خلق کرد و جنگ با عراق از پای درآمده اند و اجساد تکه پاره شده آنها در صحنه های جنگ رها شده است و چشم های شان تا به ابد به سوی بهشت موعود رژیم دوخته شده است، سکوت جهانیان نیست - در ناک و ناسف آور است

هم اکنون سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، بعنوان پیگیرترین مدافع راستین منافع کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران مبارزه بی امانها علیه رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی ایران ادامه میدهد. برگزاری اینگونه اکسپون از طرف رفقای انقلابی سازمان در خارج از کشور که بخشی از مبارزات سراسری کارگران و زحمتکشان ایران محسوب میشود، تاکنون بنحو شایسته ای نقش مهمی در افشای چهره واقعی رژیم جمهوری اسلامی ایران ایفاء نموده است. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی ایران باید بدانند در هیچ جای دنیا از خشم فرزندان خلق در امان - نخواهند بود.

سازمان چ ف خ ا، کمیته خارج از کشور ۹ نوامبر ۱۹۸۳ برابر با ۱۹ آبان ۱۳۴۲

تلفنی با خبرگزاری های بین المللی و بلژیکی تماس گرفته شد و خبر آکسیون و متن قطعنامه سراسری در اختیار آنها قرار گرفت و از آنها دعوت شد که در محل سفارت حاضر شوند! در ساعت ۱۰ و پنج دقیقه پلیس بلژیک مسلحانه سفارت را محاصره نمود و با شکستن درب ورودی وارد سفارت شده، آنها را دستگیر کرد. پلیس بلژیک به رفقا اخطار نمود که از طرف سفیر رژیم در بلژیک اجازه داشمی دارد که هر طور خود صلاح میداند برای حراست از سفارت اقدام نماید. همچنین پلیس از ورود تمامی خبرنگاران به داخل سفارت جلوگیری کرد. ولی خبرنگاران رادیو، تلویزیون و مطبوعات در محل سفارت حاضر شدند. حوالی ساعت ۱۱ رفقا را توسط دو کامیون از سفارت خارج کردند. رفقای مبارز در حال خارج شدن از سفارت شعارهای بر علیه رژیم میدادند که جریان آن توسط تلویزیون بلژیک و لوگزامبورگ بارها پخش شد.

در این درگیری ۱۶ نفر از رفقای هوادار سازمان دستگیر شدند که بر اثر فشار نیروهای مترقی، پلیس مجبور شد آنها را آزاد کند. در این آکسیون اسناد زیادی در مورد قراردادهای اقتصادی رژیم با دول امپریالیستی بدست آمد که بعدا در - اختیار هموطنان قرار خواهد گرفت.

انگلستان - لندن

در اعتراض به کشتار انقلابیون توسط رژیم جنایتکار اسلامی و برای همبستگی با زندانیان سیاسی و خلق قهرمان کسرد، سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز، هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران دفتر هواپیمائی ایران را در ساعت ۹/۴۵ دقیقه صبح دوشنبه ۷ نوامبر (۱۶ آبان ۱۳۴۲) اشغال کردند. رفقای انقلابی ما بعد از غنی کردن تکلیف ما خشان وارد دفتر هواپیمائی

رفقا همچنین شعارهای رژیم جمهوری اسلامی را کردند و شعارهایی در دفاع از خلقهای قهرمان ایران و علیه جمهوری اسلامی بر روی دیوارها نوشتند. همچنین آرم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از روی بالکن بیرونی نصب گردید. سفارت جمهوری اسلامی تا ساعت ۱۰ و پنج دقیقه در کنترل کامل هواداران سازمان بود. از محل سفارت

سوئد - استکهلم

از ساعت ۴/۵ بعد از ظهر روز دوشنبه ۷ نوامبر، رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در استکهلم، آکسیون نمایش اعدام خیابانی را در میدان مرکزی شهر برگزار کردند. نمایش اعدام تعدادی از رفقا را بر روی دار نشان میداد و یک زن حامله و یک فرد گرد نیز در صحنه اعدام دیده میشدند. پشت صحنه آرم - بزرگ سازمان و در جلوی صحنه شعار "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی" به زبان سوئدی نصب شده بود. در طول نمایش آهنگ فیلم "حکومت نظامی" و "Z" از بلندگوهای قوی پخش میشد و قطعه‌نامه آکسیون سراسری نیز چندین بار در لابلای موزیک قراش شد. در کنار نمایش اعدام، تعداد زیادی از رفقا پلاکاردهای مختلفی را که در آن شعارهایی علیه رژیم و تصاویری از جنایات رژیم دیده میشد در دو طرف خیابان حمل میکردند. چندین هزار نسخه قطعه‌نامه آکسیون بی‌سمن جمعیت زیادی که اجتماع کرده بودند پخش کردند. نمایش اعدام خیابانی که تنها نمونه‌ای سبیلک از جنایات بیشمار جمهوری اسلامی است، عابرین را سخت متاثر می‌نمود. اخبار مربوط به این آکسیون از رادیوی سوئد پخش شد.

کانادا - مونترال

در جهت افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی ایران و حمایت از زندانیان سیاسی و مبارزات خلق گرد انجمن دانشجویان ایرانی در مونترال هوادار سازمان چریکهای فدائی ایران یک آکسیون اضطراری در روز دوشنبه ۷ نوامبر در مرکز شهر مونترال پرداخته در این آکسیون رفقای هوادار سازمان با استفاده از ماک و حمل پلاکارد های افشاگرانه به زبانهای انگلیسی و فرانسه و پخش صداهای از قطعه‌نامه آکسیون سراسری و تراکت و غیره زندانیان سیاسی پرداختند. و برده جنایات رژیم جمهوری اسلامی ایران برداشتند. این آکسیون با استقبال مابرین در خیابان روبرو شد و با موفقیت به پایان رسید.

آمریکا - نیویورک

همزمان با برگزاری آکسیونهای سراسری سازمانهای هوادار در کشورهای مختلف، رفقای ما در نیویورک نیز تدارک انجمن یک برنامه تعرضی را در دستور کار قرار بقیه در صفحه ۲۲

محوری سازمان و نیز مبارزات قهرمانی خلق کرد به درب و شیشه‌های آن نصب کردید. در این هنگام که عابرین نسبت به این عملیات واقف گشته بودند، در محل هواپیمائی جمع نمودند که بلافاصله تیم تبلیغات با پخش اطلاعیه به زبانهای فرانسوی آنمان را از علل و انگیزه اشغال دفتر هواپیمائی مطلع ساخت. همزمان در درون دفتر تابلوهای خمینی، بنایتکار و بهشتی معدوم و برخی وسائل آن خرد و تمامی محوطه از شعارهای سازمان پوشانده شد. قبل از رسیدن پلیس رفقا بطور منظم عقب‌نشینی کردند. بازتاب این آکسیون موفقیت آمیز در رسانه های بین المللی رژیم را بیش از پیش در اذهان عمومی جهان رسوا نمود و رادیو جمهوری اسلامی را به عکس العمل واداشت.

اطریش - وین

ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه صبح روز دوشنبه ۷ نوامبر، رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دفتر هواپیمائی رژیم در وین اشغال کردند. رفقا در همان دقایق اول عکس خمینی بنایتکار و شعارهای رژیم را باره نمودند و شعارهایی در دفاع از مبارزات مردم قهرمان ایران به در و دیوار نصب کردند. از داخل دفتر با خبرگزاری های مختلف تماس گرفته شد و خبرنگاران فیورا در محل حاضر شدند. شبکه های رادیویی، تلویزیونی و مطبوعات اطریش خبر این آکسیون را وسیعاً پخش نمودند. همزمان با برگزاری این آکسیون، رفقای هوادار در سه نقطه شهر به پخش اعلامیه پرداختند. در این آکسیون ۱۵ نفر از رفقا توسط پلیس دستگیر شدند که پس از چند ساعت آزاد گردیدند. این آکسیون مورد پشتیبانی نیروهای مترقی ایرانی و بین المللی قرار گرفت.

هند - دهلی

ساعت ۱۱ صبح ۷ نوامبر هواداران سازمان در هند در فتر هواپیمائی ایران واقع در ساختمان هتل آشا که در همان ساعت کفران کشورهای مشترک المنافع بزرگترین داشت، اشغال نمودند. علیرغم وایت "تدابیر امنیتی" بسیار توسط پلیس (به خاطر کفران) رفقا موفق شدند وارد دفتر شوند و در دیوارها با شعارهای انقلابی و آرم سازمان پر نمایند. دفتر هواپیمائی بعد از ۲ ساعت و ده دقیقه در کنترل رفقا قرار داشت. پلیس ۱۱ نفر از رفقا را دستگیر نمود که پس از ۴ روز بر اثر فشار نیروهای شرقی آزاد شدند. این آکسیون موفقیت آمیز در تلویزیون، رادیو و تمام روزنامه های اصلی و حتی روزنامه های شهر ستانهای هند بطور مطلق منعکس گردید.

شدند. آنها ابتدا از کارمندان دفتر خواستند که در گوشه ای جمع شوند که آنها بدون هیچ مقاومتی خواست رفقای مسا را پذیرفتند. سپس عکس خمینی بنایتکار را باره کردند و آرم سازمان بر دیوارهای ساختمان نصب شد. رفقا پرده ای بر روی شیشه دفتر نصب کردند که روی آن شعار "کشتار سراسری در ایران، و جهان در این باره ساکت است" به زبان انگلیسی نوشته شده بود. رفقای مبارز ما همچنین شعارهای انقلابی دیگری را نیز بر روی دیوارهای داخل ساختمان و شیشه های بیرون آن نوشتند. بلافاصله پس از آغاز آکسیون، پلیس پیاده رو و جلوی دفتر را مسدود کرد و بتدریج به تعداد افراد پلیس افزوده گردید. اکثر مطبوعات و ایستگاههای رادیویی و تلویزیونی خبرنگاران خود را به محل فرستاده بودند و از جریان آکسیون فیلم عکس و گزارش تهیه کرده بودند. رفقای ما پس از آنکه وظایف انقلابی خود را به نحو شایسته ای انجام دادند و ساختمان دفتر را یک ساعت در اختیار داشتند، بوسیله پلیس دستگیر شدند. رفقا در حالیکه از دفتر هواپیمائی به داخل ماشین پلیس برده میشدند، با شعارهای کوبنده "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زندانیان سیاسی را آزاد کنید"، "به کشتار و شکنجه انقلابیون پایان دهید"، و "درد بر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" در مقابل دوربین های تلویزیونی و مردمی که در محل گرد آمده بودند، محوطه را بلرزده درآوردند. جریان اشغال دفتر هواپیمائی و دستگیری رفقا توسط شبکه های تلویزیونی و رادیویی پخش و در مطبوعات منعکس شد. رفقای دستگیر شده هنوز در بند پلیس بمر می‌برند.

فرانسه - پاریس

در پی یک برنامه طرح ریزی شده، دفتر هواپیمائی ایران در پاریس، رأس ساعت ۱۰ و پنج دقیقه صبح روز دوشنبه ۷ نوامبر به اشغال هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درآمد. این عملیات چنان بر برق آسا انجام گرفت که کارکنان و بویژه مدیر دفتر که یکی از ناآشناهای شناخته شده پاریس بود، امکان هیچگونه عکس العملی را نیافتند. در همان دقایق اول مدارک و اسناد موجود از دفتر و بطور کلی تمام وسائل دفتر مصادره و از محل خارج گردید. آنگاه آرم سازمان و شعارهایی در رابطه با خواست چهار ماده ای آکسیون، شعاع

‘نیم پهلوی’ مترسک امپریالیسم



آهنگر

این روزها محافل رنگارنگ ضد انقلاب به جنب و جوش تازه‌ای افتاده‌اند... با آب و تاب و جاروجنجال تکرار میکنند که در سالگرد انقلاب مشروطیت (۱۳۴۰ — مرداد) "قریب ۲ میلیون نفر در تهران، به دعوت شاپور بختیار به خیابانها ریختند و با اجتماع توأم با سکوت خود، حمایت خویش را از بازگشت سلطنت اعلام داشتند!" و یسایع میشود که مردم زحمتکش افسریه که از شدت فقر و فشار و بی‌آبی به تنگ آمده و بها خاسته و دست به حرکات اعتراضی علیه رژیم زده بودند، در واقع خواست بسیار بازگشت "شاه جوان" شده‌اند! و...

در لابلای این‌ها و هوی است که اعلام میشود شاپور بختیار و علی امینی، این دو مهره پوسیده سرمایه‌داری بزرگ بر سر مشروطه‌شان به توافق رسیده، بیانییه مشترکی صادر کرده‌اند و بدنبال آن رادیو و تلویزیونهای فارسی زبان رنگارنگ و نشریات مختلف وابسته به این محافل تبلیغ میکنند که "اتحاد بزرگ" حاصل شد و صفوف سلطنت‌طلب‌ها فشرده گشت و بعد رضا پهلوی اعلام میدارد که او محور این اتحاد بزرگ است و این طوفان عظیم در لیوان را همو برای انداخته است! و بدنبال همین تقاضا، خمینی طی یکی از نطق‌هایش به رضا پهلوی "نصیحت" میکند که "به ملاحظاتی است که برود سراغ درس خواندن و کاسبی و بداند که از این کارها گذشته است و مثله مردم اگر چنانچه جمهوری اسلامی هم نیابد، دیگر سلطنت‌طلب نیستند" و بعد همین عکس‌العمل خمینی سلطنت‌طلب‌ها را بیشتر

قطعه نامه

اگسیون مرا سری

ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور ریز دوشنبه ۲۷ تاجری را روز اعتراضیه کشتارها، اعدامها و شکنجه زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران اعلام میداریم. در این رابطه در اینریز اگسیونهای اعتراضی را در کشورهای آمریکا، آلمان، ایتالیا، انگلستان، اطریش، بلژیک، سوئد، کانادا، فرانسه و هند برگزار میکنیم.

مردم مترقی و دمکرات جهان!

رژیم جمهوری اسلامی ایران که با اعتراضات و ناراضیاتی میلیونی تن از طبقات و اقشار مختلف جامعه — کارگران، زحمت‌کشان، خلقها، زنان، و روشنفکران — مواجه است برای حفظ پسا به های لژ انش‌تنها به سرکوب و ادا به جنگ با عراق متکی است.

این رژیم نه تنها هیچکدام از مشکلات اقتصادی اجتماعی مردم ایران را حل ننموده است، بلکه بر فقر، بیکاری، بی‌مسکنی و نا امنی اجتماعی افزوده است. هر ریز بر لیست اعدامیه‌ها افزوده میگردد و تا کنون بیش از ۲۰ هزار نفر از انقلابیون و مردم عادی به جوشه های اعدام سپرده است. زندانیان سیاسی زیر شکنجه و شکنجه ها قرار دارند و قبل از اعدام خون آنها گرفته میشود. تداوم جنگ با عراق هر ریز جوانان و اطفال بیشتری را به کام مرگ میکشاند. جنگ علیه خلق کرد نیز تا کنون به بهای جان‌بوش از ۲۰ هزار تن از مردم کردستان تمام شده است.

رژیم جمهوری اسلامی ایران در مقابل اعتراضات عمومی جهان و ارگانها و نهادهای بین‌المللی کاملاً بی تفاوت است. بهر آنکه کشورهای نظیر آمریکا، آلمان، ژاپن، انگلستان، ایتالیا و... با حمایت اقتصادی — سیاسی و نظامی از رژیم، آنرا در جهت سرکوب مردم و ادا به جنایاتش تقویت میکنند. به همین دلیل ما خواهان:

۱- صدور قطعه نامه ای در محکومیت اعمال و جنایات رژیم از سوی اجلاسیه سالانه سازمان ملل؛

۲- اجازه باز دید از زندانیان سیاسی ایران بوسیله صلیب سرخ، غوبین الملل و دیگر سازمانهای بین‌المللی دفاع از حقوق بشر؛

۳- اجازه باز دید صلیب سرخ از مناطق جنگ زده کردستان و کلیه آواره گان و زخمیان جنگ در این منطقه و

۴- قطع کمکهای اقتصادی دولت‌های آمریکا، آلمان، ژاپن، انگلستان، ایتالیا و... به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ایران و قطع ارسال مخفیانه سلاحهای نظامی به ایران هستیم.

ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اگسیونهای خود را برای رسیدن به خواسته های فوق در اشکال مختلف علیه جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ادا به خواهیم داد و از تمام نیروها و افراد مترقی و دمکرات جهان تقاضای پشتیبانی از این خواسته ها را می‌نمائیم.

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کشورهای

آلمان — آمریکا — انگلستان — ایتالیا — اطریش — بلژیک

سوئد — کانادا — فرانسه — هند

هفتم تاجری ۱۹۸۲

آیا امپریالیسم برنامه جدیدی در پیش گرفته است؟

مسلماً نیروهای انقلابی باید تمام حرکات دشمنان خلق را زیر نظر بگیرند و نباید به صرف نا چیز و مغلوب بودن این بخش از دشمنان خلق، نسبت به برنامه ها و حرکات و تحولات درون آنها بی اعتنا باشند. بقیه در صفحه ۳۱

به وجد می‌آورد و رضا پهلوی بادی درغیب انداخته، پاسخ میدهد که "من درسم را خوانده‌ام و... شما رفتنی هستید و ما باز خواهیم گشت!"

اما ماجرا از چه قرار است و در پشت پرده چه میگردد؟ آیا واقعاً سلطنت‌طلب‌ها به آلترناتیوی بدل شده‌اند؟ آیا توده های مردم خواهان بازگشت رژیم سلطنتی گشته‌اند؟

Seite 10 • Frankfurter Rundschau

Nach Krawall Stand des Iran geschlossen

Fünfzehn Festnahmen auf der Buchmesse / Anschließend „Besetzung“

Eine Gruppe von 21 Iranern aus mehreren Städten des Bundesgebietes kam am Mittwochmorgen das Büro der iranischen Fluggesellschaft "Am Hafez" am Flughafen München an. Am Hauptbahnhof 10 für rund eine halbe Stunde besetzt. Dann erschien die Polizei und nahm die Besetzer zur Festnahme. Die Personalien mit in das Büro der Fluggesellschaft. Mit ihrer Aktion wollten sie die Aufmerksamkeit auf die Situation in Iran lenken. Die Besetzer wurden am Flughafen München festgenommen. Die Besetzer wurden am Flughafen München festgenommen.

21 Iraner besetzten
Büro der Iran Air

h. die all-
in Iran, Mitwuch-
nung bei, Büro der Flugzeug-
und Trans-
mes. Sie ver-
unabhängigen
Die Experten
prüfen, unter de-
gene in den Klaten-
Informationsliteratur an-
die Mitte vergangen W.
Studenten das Büro der Fl-
Iran besetzt haben, war die
Aktion, die während der Buch-
die Situation in den aufmerksam
solte. Öffentlichkeit und Dissem-
standen, nachdem die Poli-
Präsidialinstanz in-
h versucht ha-

Iran-Stand zertrümmert
Zehn Minuten nach der einen schwache-
man für den Freedom wurde es im
gagachamatslaur in der Halle 520
guter Zustand der iranischen Regi-
machen". In einer
"Faid Sultan-
dung einer
Gefahr
stellen
ren hings
wurden um
genommen un-
feststellung wird.
ten, daß ihre Akti-
der deutschen Bevölkerung gefund-

Iran-Air-Büro besetzt
iranische Studenten haben gestern von
mitten in Frankfurt am Main
im Bahnhofsstand für eine
Studenten besetzt. Sie wollten auf
den zwei Ju-
Studenten
der Personalien
lassen. Sie bekla-
wenig Resonanz
der Bevölkerung gefund-

Studenten besetzen Stand des iranischen Verlegerverbandes

Iranische Studenten besetzen Buchmesse-Stand (15.10.) Foto: Heilmut Fricke

هم‌زمان با آغاز نخبه‌پرستانه بین‌المللی کتاب در شهر فرانکفورت آلمان فدرال سازمان دانشجویان ایرانی هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آلمان فدرال و برلین - غربی جهت افشای هرچه‌بیتر جنایات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در افکار عمومی جهان تصمیم به اشغال دفتر شرکت هواپیمایی ایران در این شهر نمود.

این آکسیون در روز چهارشنبه ۱۲ آکتبر ساعت ۱۱ صبح تحت نام سازمان دانشجویان ایرانی هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "کمیته هنرمندان انقلابی فدائی شهید سیدسلطانور" آغاز شد. ۲۲ نفر از رفقای هوادار در تیمهای مختلف وارد دفتر شدند و پس از بستن درهای ورودی و تصرف کامل دفتر و نابودی عکسهای خبیثی جلاد و دیگر گران رژیم کاکامندان و مشتریان را به گوشه‌ای از دفتر فراخواندند و پس از بازگو نمودن هدف از - اغفال دفتر هواپیمائی، مشتریان را به خارج از ساختمان راهنمایی نمودند. جالب توجه اینست تعدادی از مشتریان به دلخواه خود در درون دفتر ماندند تا شاهد مبارزات ضد رژیم رفاقی هوادار باشند، هواداران سپس آرم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، شعارها و عکسهای ارزشهای سازمان را بر در و دیوار دفتر نصب کردند و شروع بدادن شعارها و خواندن سرودهای انقلابی نمودند. تیم تلفن با استفاده از دستگاههای تلفن درون دفتر خبر این آکسیون را به کلیه خبرگزاریهای جهان رساندند - همچنین با تهیه لیستی از قبل از روی دفتر - چه‌های تلفن شرهای مختلف ایران و محله‌های کاکارگوشین مختلف تهران همپیمان مبارز را در جریان این آکسیون گذاشتند.

در این هنگام رفقای هوادار دربیرون اردفتر به کمک رفقای آلمانی - ترک - عرب پاکستانی ... با ایجاد تظاهرات موعصی به دادن شعار و انتهای جنایات رژیم جمهوری اسلامی پرداختند نکته قابل توجه دفترخواهیمائی درتلوع ترین منطقه شهر فرآنگفور یعنی مقابل درب جلوی راه آهن واقع است باعث شدکه نظرمردم وعابرین را به تظاهرات کنندگان جلب کند . فریادرفقای بیرون ودرون دفتروپیش اعلامیه های بزبان آلمانی واطلاعیه مطبوعاتی مشغول بودند که خواهسته های سازمان هوادار رامطرح کسوده یودند .

۱- تشکیل کنفرانس مطبوعاتی در محل دفتر هواپیمائی و بیرون خبر اهداف Tکیون به درون مردم.

اسلامی"، "مرگ بوخمینی"، "زنده باد همبستگی بین المللی" رقصا همچنان ادامه داشت پلیس ضدشورش آلمان مجبور شد رقصای دستگیرنده را با ماشینهای مخصوص از در بـ "خروج اضطراری" ساختمان به بازداشتگاه حمل نماید. این آکسیون در ساعت ۱۶ بعد از ظهر در میان شعارهای رقصای تظاهراتکننده با موفقیت به پایان رسید ۲۲ نفر از رقصای دستگیر شده پس از ۵ ساعت بازجویی و شناسائی از طرف پلیس آلمان تشکیل دادگاه از زندان آزاد شدند.

خبر این آکسیون بخصوص بمناسبت همزمان
بودنش با نمایشگاه جهانی کتاب در بغداد
بقیه در صفحه ۲۶

۲- اعزام یک هیئت نمایندگی از طرف سازمانهای دمکرات جهت بازدید از شکنجهگاههای رژیم و وضعیت زندانیان سیاسی از ایران.

در این هنگام پلیس فدرال آلمان در اطراف ساختمان مستقرند و درصدد پراکنده کردن رفقای تظاهراتکننده برآمدند، پلیس سعی در دستگیری رفقای بیرون دفتر را نموده و با استفاده از گهای مشخص، کوشش درجهست پراکنده کردن رفقای تظاهراتکننده برداشتند که با مقاومت رفا و مردم آلمان که در اطراف بودند مواجه شدند. بعد از یک ساعت پلیس موفق شد درب ورودی را باز کند و به درون دفتر راه باید ولی فریاد "مرگ همه ی



جنایت و استثمار، روش معمول رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی

گشت و گذار

در این بخش از جهان که از این شماره آغاز میکنیم سعی میشود مروری بر وقایع و یا سفرانی ها و مطالبی که در جمهوری نفیسان، که ما جهت راحتی مطلب به آن - جمهوری سفیان نام نهاده ایم، بیافکنیم. البته فرض از این مرور، تحلیل و تفسیر کلی وقایع نیست و جای آن نیز در این مقاله نمیگنجد، بلکه گذاری کوتاه به رویدادهای عجیب و غریب جمهوری اسلامی سفیان است. شاید در طول تاریخ بشری چنین رژیمی عقب افتاده که با تمام مظاهر علم و هنر و زندگی بشری دشمنی ورزیده و ضد آن عمل کرده باشد، کمتر دیده شده باشد و سردمداران جمهوری سفیان میتوانند اقل از این جهت بخود ببالند که در طول تاریخ رکورد عقب افتادگی را از آن خود کرده اند. از خوانندگان عزیز درخواست میکنیم چنانچه به مطالب جالب و تازه ای از سفیسان عالیقدر و جمهوریشان برخورد میکنند، آنرا برای ما جهت درج در "گشت و گذار" ارسال دارند که صمیمانه متشکریم.

و اما گشت و گذار این شماره را از - حسینیه جماران آغاز میکنیم. سردمدار قاتلین، غیبنی، این بار برای ورزشکاران حرکت کننده در بازیهای آسیایی سفرانی میکند و میگوید: "انقلاب را در تمام معانی آن صادر کنید، کشور شما امروز یکسی از قدرتمندترین کشورهای جهان است. باید سعی کنید این قدرت را حفظ کنید!!" این صحبت ها آدم را ناخودآگاه بیاد حرفهای محمدرضا شاه خائن در یکسال قبل از قیام بهمن می اندازد که میگفت: "ایران جزو یکی از ۶ قدرت جهان امروز است" برآتی



نقدگره بهمنی

هر دولت که برای کسی تان برده باشد

هر روز که کارگران و زحمتکشان میهن ما، سنگینی و فشار جنایت و اجحاف جدیدی را بر کرده های خویش حس میکنند و درست به هنگامیکه می خواهند لحظات زودگذر آ را می گویا ه را برای آغاز روز مجددی کا رطافت فریادست آورند، با تحفه و ارمغان سنگین دیگری از این رژیم و عوامل مزدور و مباحه می شوند. از مدتی پیش مردم زحمتکش گورهدشت شاهد بقتل رسیدن مرموز چند نفر مضموما دختران ۱۳ - ۱۴ ساله می شوند که در کلیه موارد قربانیان وحشیانه مورد تجاوز قرار گرفته و سپس تکه تکه باره فده بودند. استادگان میرفت این اعمال توسط چند نفر افغانی جنایتکار صورت میگیرد. تلاش مردم برای یافتن عامل این جنایات بجای نمیرسد. تا اینکه در هفته گذشته بطریقی که ملا اتفاقا، مشخص میشود که "شاگری" یکی از مسئولین سپاه پاسداران مزدور رژیم در منطقه بوده است، به محض اطلاع مردم از این جنایت در اعتراض به این عمل وحشیانه وفد بشری، مردم مبارز و زحمتکش گورهدشت به خیابانها ریخته و در همین تشییع جنازه مقتول، شعار میدهند، "ایست سندجنایت شاگری"، "ایست سندجنایت پاسدار"، "در میدان اصلی شهر که تشییع کنندگان چون همیشه با پرورش کمیت چها و پاسداران جنایت و مرما به که بدست از حرکت مردم وحشت کرده بودند، مباحه می شوند، پاسداران رژیم غیبنی با تیراندازی هوایی، اقدام به متفرق کردن مردم میکنند. روز بعد مردم مبارز منطقه به محض اطلاع از حضور جانی، در محل جنایت برای اقرار، خواستار اعدام فوری او در محل جنایت میشوند. پاسداران مزدور در جواب، شروع به تیراندازی هوایی و دستگیری مردم می نمایند که تاکنون از سر نوشت آنان خبری نیست. روز بعد مردم بار دیگر شروع به تجمع میکنند. نام شهر که قبلا توسط عامل رژیم از گورهدشت به با سلاطین "رجائی شهر" تغییر کرده بود، مردم خواستار تغییر نام شهر به "جانی شهر" میشوند. تجمع روزانه مردم بعنوان اعتراض هنوز ادامه دارد. عامل رژیم برای نجات جانی میگویند: "اورا برای محاکمه به تهران فرستاده اند". مردم میگویند: "اوبه جنایتهای بشمار دیگری از جمله حمله به خوابگاه دختران دانشجو دانشکده گرج با همکاری "جنونی" جنایتکار اقرار کرده است".

اهالی مبارز و آگاه گورهدشت!

آری! "ایست سندجنایت پاسدار" و پاسداران مزدوران رژیمی که از بدو رسیدن به قدرت، جز فقر و فلاکت، گران و تورم و کمبود اوراق، جز جنگ و ویرانی و آوارگی، جز بیکاری و بی سنگینی، جز دستگیری و شکنجه و کشتار دهها هزار زن زبهرترین فرزندان خلق، زمنده ترین کارگران و زحمتکشان، جز تضییع حقوق زنان زحمتکش و مبارز و بستن دانشگاهها و... جز جنایت و استثمار، ارسنان و نتیجه دیگری برای کارگران و زحمتکشان میهن، ببارش آورده است.

کارگران و زحمتکشان مبارز گورهدشت!

شاگری پاسدار جنایتکار و جنایتکارانی از قماش او، در این رژیم، هیچگاه و اقبا به سزای اعمال خود و مجازات واقعی و قطعی نخواهند رسید و در عوض بهترین فرزندان خلق در سیاهالهای رژیم از جمله همین زندان گورهدشت، به جرم حمایت از کارگران و زحمتکشان، به جرم دفاع از حقوق مردم محروم و بخاطر مبارزه باستم و استثمار و جنایت جمهوری اسلامی، زیر شکنجه های قرون وسطائی محبوس شده و هر روز آماج شهرهای مزدوران رژیم قرار دارند.

مردم زمنده گورهدشت! کارگران و زحمتکشان مبارز!

تا رژیم جمهوری اسلامی و هر رژیم سرمایه داری دیگری بر سر کار است، این جنایات و اجحافات علیه زحمتکشان ادامه خواهد یافت. باید علیه این رژیم و مزدورانش بیباخت. رژیم ضد انقلابی و مزدورانش همواره سعی میکنند تا مردم انقلابی را منفرد و منزوی نمایند و سپس دستگیر و یا مرعوبشان سازند. دیروز در انصریه جناسیست آفرید و امروز در گورهدشت و فردا... برای جلوگیری از شداد و گسترش آن میبایست متحد شد و یکپارچه و جمعی در مقابل آن ایستاد و یک لحظه از پشتیبانی یکدیگر دست

بقیه در صفحه ۹

که قیام مردم چطور بخوبی نشان داد که آن قدرت‌چقدر پوئالی و توغالی بود که قدرت جمهوری سفیان !

خمینی در پایان صحبت‌هایش برای ورزشکاران دسته دعا برمی‌دارد و میگوید: "خداوند انشاءالله به شما در آخرت دو بال عنایت کند تا با آنها بتوانید در بهشت پرواز کنید." !!

صحبت از بهشت بماند، بی‌سواد سخنرانی‌های سرداران سفیه در ماه گذشته افتادم که مرتب دیگران و البته جوانان را تشویق به رفتن به جبهه‌ها و در نتیجه بهشت کرده‌اند و معلوم نیست اگر بهشت آنقدر خوب و با ارزش است چرا سفیه‌سان مالیقدر پیشقدم رفتن به آن نمی‌شوند؟! - مثلا خامنه‌ای رئیس‌جمهور سفیان در مراسم افتتاح قرارگاه طرح لیک میگوید: "کسانیکه برای دفاع از نهضت اسلام شهید میشوند و یا در این راه آسیب می‌بینند و مصائب و مشکلاتی را متحمل میشوند، فیض عظیمی خواهند برد." و باز پرسیدنی است که چطور سفیان جمهوری اسلامی از این فیض عظیم خود را بی بهره ساخته‌اند!

جالب‌تر از عوام‌فریبی‌های خامنه‌ای، صحبت‌های مانعی، دادستان کل کشور سفیان است که خطاب به گروهی از دانش‌آموزان عازم جبهه میگوید "بهترین جا برای خودسازی همان جبهه‌هاست که الان شماها در آنجا هستید. و چون آن‌ها آبدیده می‌شوند. من متاسفم که نمی‌توانم مثل شماها با شما و با به جای پایتان بگذارم و عطر بهشت را با شما خود حس کنم!!" براستی وقاحت در جمهوری سفیان حد و مرز نمی‌شناسد، سفیان مفت‌خور بی‌جهت از طرف مردم به لقب "آخوند مرده‌خور" معروف شده‌اند. آنها را نزدیکارانه از بهشت و عطرهای خوشایند آن صحبت می‌کنند و گروه گروه از جوانان را با این مواد مخدر آلوده می‌سازند ولی خود از لانه‌های فسادشان تکان نمی‌خورند. شاید بی‌جهت نبوده که سردمدار اعظم سفیان، خمینی، این بار در جمع مفت‌خوران در رابطه با رفتن آنها به جبهه‌ها میگوید: "جبهه‌ها محتاج به روحانی هستند، چنانچه همه مردم محتاج هستند که روحانیون آنها را هدایت کنند، ارشاد کنند!!" در جبهه‌ها، در شهرهای مرزی روحانیون هست به روحانیون، برای خدا روحانیون به جبهه‌ها بروند، به شهرهای مرزی بروند و مردم را هدایت کنند، شیاطین همه جا هستند، باید در مقابلشان جسدالله هم باشد. از جبهه‌ها مگر این مطلب گفته شده است که روحانیون بیایند در اینجا، ما احتیاج داریم و انصاف نیست که این جواشای عزیز ما در آنجا

فداکاری کنند و از شماها تقاضا کنند که بیایند ما را هدایت کنید، بیایند ما را خط هدایت بدهید و ما مذاقیقه کنیم. در بعضی شهرهای مرزی می‌گویند که حتی برای عقد کردن هم روحانی نیست. ولی سردمدار سفیان نیز عوام‌فریبی میکند زیرا که او بخوبی میداند که مفت‌خورانی همچون خودش هیچ‌وجه حاضر نمی‌شوند که تنهای فربه‌شان آسیبی ببینند زیرا که این فربه‌ی از سالها تن پروری و مفت‌خوری بدست آمده است. بیاد قسمتی از شعر پرمعنی "بهار میرسد از راه" از رفیق فدائی مرفیه احمداسکوفی افتادم که میگفت "شما ای مترسک‌سای پوئالی، دور نیست روزی که لاشه‌های فربه‌تان را در گشتزارهای خونین خود به آتش کشیم"

معامله برادرانه

"تنوک بلیدا"، سفیر ترکیه در جمهوری اسلامی در یک سخنرانی در تهران گفت: "در آغاز انقلاب اسلامی حجم مبادلات بازرگانی بین دو کشور پائین و نامتعادل بود ولی پس از آن حجم مبادلات تجاری ایران و ترکیه بمیزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت بطوری که این حجم در سال ۱۹۸۱ به ۷۴۹ میلیون دلار و در سال ۱۹۸۲ به یک میلیارد و ۵۲۹ میلیون دلار بالغ شد. وی سپس گفت که

امیدوار است که حجم مبادلات تا پایان سال جاری مسیحی به مبلغ ۲/۴ میلیارد دلار برسد. وی گفت: "در حال حاضر بیشترین درصد صادرات ترکیه به ایران است."

بدنبال درج مقاله‌ای در مجله نیوزویک مبنی بر اینکه سازمان CIA به مخالفین جمهوری اسلامی در ترکیه کمک مادی میکند که پر واضح است این مخالفین اینچنین گروه‌های متعدد فدا انقلابیون ساقط شده (سلطنت طلبها و بختیاری‌ها و غیره) را شامل میشوند، سرکنسول جمهوری اسلامی در استانبول طوسی صاحب‌های گفت: "در این مطالب دروغ در - نیوزویک برای برهم زدن روابط بیارزدیک و دوستانه جمهوری اسلامی و ترکیه است" وی ادامه داد: "از آنجائیکه روابط - اقتصادی عظیمی بین ما و ترکیه برقرار است، باعث ناراحتی آنان شده و به درج این مقالات بی‌پروا است!"

طی قراردادی که بین کمپانی "پتروبراس" برزیل و جمهوری اسلامی منعقد گردید، برزیل روزانه ۴۵ هزار بشکه نفت از جمهوری اسلامی خریداری خواهد کرد. این قرارداد از اول نوامبر شروع خواهد شد. کمپانی مزبور در عوض به جمهوری اسلامی نفت ورده‌های صنعتی مبادر خواهد کرد. بقیه در صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۸

برداشت و کارگران و زحمتکشان مناطق مختلف باید از مبارزات یکدیگر حمایت نمایند امکان دفاع متحدانه علیه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را بهر شکل ممکن سازمان دهند، چنانکه در قیام بهمن ۵۷ چنین شد و رژیم خونخوار شاهنشاهی به زیاده‌دان تاریخ انداخته شد.

کارگران و زحمتکشان مبارز و آگاه!

شاکری این مزدور جنایتکار باید به اشد مجازات برسد. باید تمامی مزدوران چون او، تمامی سردمداران رژیم به مجازات برسند، باید رژیم جمهوری اسلامی را در دادگاه خلق به محاکمه کشید و محکوم کرد. اما اینکار متحقق نخواهد شد مگر آنکه رژیم را به قدرت قهر انقلابی کارگران و زحمتکشان سرنگون سازیم، مگر آنکه سر ویرانه‌های این حکومت، قدرت و حاکمیت کارگران و زحمتکشان را، جمهوری دموکراتیک خلق را بیا کنیم.

کارگران مبارز! زحمتکشان رزمنده! مردم انقلابی!

تشکل و اتحاد، رمز موفقیت در مبارزه علیه اجافات و جنایات رژیم جمهوری اسلامی است. در کمیت‌های مخفی مقاومت متشکل شوید. مبارزه بدون آنکه جهت معین و مشخص انقلابی داشته باشد به نتیجه نخواهد رسید. چنانکه تجربه قیام بهمن ۵۷ نشان داد که چگونه به بیراهه کشیده شد. برنامۀ عمل سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران یگانه برنامۀ انقلابی است که تمامی خواسته‌های اقشار و طبقات انقلابی در آن منعکس شده است. پس حول برنامه عمل سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران متشکل شوید و مبارزات خود را آگاهانه در جهت جمهوری دموکراتیک خلق به پیش ببرید.

مرگ بر شاکری با سوار مزدور رژیم بر مایه داران

مستحکم باد اتحاد رزمندگان کارگران و زحمتکشان علیه رژیم فدا انقلابی جمهوری اسلامی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

کمیت سازماندهی‌هسته‌های مقاومت - سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

۶۲/۶/۲۵

افزایش واردات

کاردار سفارت سوئد در تهران در نمایشگاه تهران گفت: "مبادلات تجاری ایران با کشورهای دیگر بطور چشمگیری رو به افزایش است. وی گفت "مبادلات بازرگانی دو کشور ایران و سوئد در سالهای اخیر افزایش یافته و صادرات سوئد به ایران که در سال ۱۹۸۵ به میزان ۲۰ میلیون دلار بود، در سال ۱۹۸۳ به ۱۷۲ میلیون دلار بالغ گردیده است."

منتظری: تورم ایجاد میشود یعنی چه؟

آیتالله منتظری نظریات خود را راجع به "کشاوری از نظر گاه اسلام" مطرح نموده است منتظری میگوید: "ملت همه به فکر کار اداری نباشند، به فکر کشاورزی، به فکر دامداری باشند. تا مادامیکه از نظر مواد احتیاجی، مواد اولیه، محتاج و نیازمند باشیم دست کدایی مان پیش ابرقدرتها دراز است. یعنی چه، ایران با این وسعت گندم از رومانی بیارود؟ گوشت از استرالیا و زلاندنو، گندم هم از آمریکا و رومانی! این خجالت دارد... هرچه ما گفتیم گوسفندزنده بیاورید و به کشاورزان وام بدهید تا کم کم وضع دامداریمان توسعه پیدا کند، گوشت ندادند. حرفی که میزنند استدلالشان این است: میگویند اگر از کشاورز جنسی را گران بگیریم، آنوقت تورم ایجاد میشود، تورم ایجاد میشود یعنی چه؟ میگوید کشاورز پول پیدا میکند، میآید توی بازار میخواد بخرال بخرد آنوقت یخچال کم میشود خوب به درک! اگر یخچال کم بشود! چرا آدمی که توی بازار و یا توی اداره است دو تا سه تا یخچال داشته باشد و کشاورزها یک یخچال کوچک هم نداشته باشند؟ آخر این را کی گفته؟ یخچال نیست، تو هم نخر، ایسن کشاورز، این روستایی، حال یخچال نه، پارچه ارزان برای زن و بچه اش میخواهند بخرد پول میخواهد، بره دوماه را از ناچاری میفروشد، برای اینکه آپرویسش را پیش زن و بچه اش حفظ کند، برای اینکه بچه اش مریض است، اینهم حرف شد که اگر بخواهیم به کشاورزان کمک کنیم تورم پیدا میشود؟

منتظری آنگاه ادامه میدهد: "از کشاورزان محترم تقاضا میشود ضمن اینکه در توسعه کشاورزی و دامداری کوشش مینمایند، از دستبرد و تصرف در اموال عمومی و سرمایه های ملی کشور از قبیل مراتع و جنگل ها پرهیز نمایند."



نعمات بیشمار جنگ و کلام حکیمانها ما م

دکتر بانکی، رئیس سازمان برنامه و بودجه در گفتگویی با روزنامه کیهان در پاسخ به این سؤال که نظراتان در باره جنگ چیست؟ گفت:

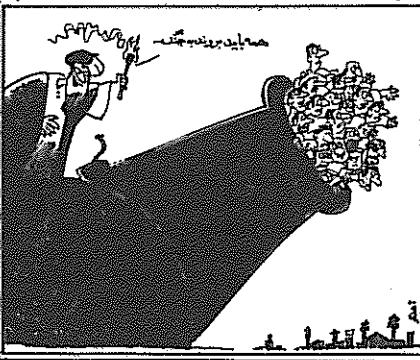
"ما ۳ سال است که در جنگ با دشمن متجاوز هستیم و در سال ۵۵ تا ۶۰ میلیارد تومان این جنگ تا امروز برای ما خرج داشته است. به نظر من اساسی ترین و بهترین نعمتی که خداوند بما عطا کرد، جنگ بود و این کلام حکیمانها امام را من واقعا با جان و دل حس کردم و آن این است که جنگ روند تغییر یافت و ساخت اقتصادی ما را تسریع کرد. ما در جمهوری اسلامی میبایست ساخت توزیع و مصرف را دگرگون میکردیم و این جنگ بود که ما را مجبور کرد تا در این روند زودتر پیش برویم. جنگ سبب حرکت های سازنده در این مملکت شد و بعقیده من در دنیا همیشه عامل پیشرفت اقتصادی و صنعتی شده است. علاوه بر این جنگ برای ما یک برکت دیگر هم داشته است و آن این است که نظام اقتصادی ما را سالم گرد و انشاء الله امیدوارم لیاقت حفظ این نعمت خداوند را داشته باشیم"

آنگاه دکتر بانکی در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار که "با توجه به تورم و عدم افزایش دستمزد کارگران و کارمندان چسبه تسهیلاتی از ناحیه دولت برای این قشر از جامعه اتخاذ شده است، میگوید: "کارگران و کارمندان هر دو در حال حاضر از مسئله تورم رنج میبرند. منتهی با این

موضوع به دو روش میتوان برخورد کرد. ابتدا این که درآمد این قشر از جامعه افزایش یابد که این امر از نظر ما غلط است و آن را تأیید نمیکنیم بدلیل این که هرگونه افزایش دستمزد برای این قشر بواسطه این که گالاه در کانال اصلی خودش نیست موجب بالا رفتن قیمت کالاها میشود و در نتیجه مجددا آن نگرانی احساس میشود و حاصلی برای کارگر و کارمند نخواهد شد."

روزی ۳۰۰ تا ۴۰۰ معلول

محمد یاریگوش، معاون توانبخشی سازمان بهزیستی در رابطه با امکانات این سازمان جهت مجروحین جنگ گفت: "در حال حاضر در سطح مملکت حدود ۱۲۰ هزار نفر در قسمتهای مختلف توانبخشی سازمان بهزیستی بستری هستند و روزانه بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر معلول و جانباز جنگ برای توانبخشی به بیمارستان شفا یحیایفان مراجعه میکنند."



هم‌صفتان مبارز و کارگران و رحمتکشان!

مهندس مصطفی هاشمی، وزیر صنایع جمهوری اسلامی در مورد اثرات جنگ بر صنایع گفت: "علیرغم اینکه در ابتدا جنگ تحلیلی اثرات مخربی بر بخشی از صنایع داشته است، اما بدون تردید خون شهدا و اثری که این خون در جامعه و روحیه کارگران، مدیران و مسئولین باقی گذاشته موجب شده که صنایع ما از نظر تولید بر مراتب بهتر از قبل وقوع جنگ باشند بطوریکه در دو سال اخیر مالی حدود ۱۲ درصد در کل صنایع کشور اضافه تولید داشته ایم... وی ادامه داد: "من کلاً اثرات جنگ در مورد صنعت را مثبت میدانم."

حمله موشکی

در حمله موتکی عراق به شهرهای
دزفول و اندیشک که در تاریخ هشتم مهر
ماه صورت گرفت حداقل ۶۰ تن کشته و ۲۵۰
تن مجروح شدند. در این حمله ۹۳۰ واحد
مگونی و مغازه با خاک یکسان گردید.

پنجہ آہنین خدا ی متعال

بنامت اولین سالگرد تشکیل "کشت
ناراله" سپاه پاسداران، خامنه‌ای، رئیس
جمهوری اسلامی ایران در جمع عده‌ای از آنان
گفت: " شما عامل تجسم اقتدار جمهوری
اسلامی ایران بودید و به همه دنیا ثابت
شودید که جمهوری اسلامی هست و قدرت دارد.
اگر به افراد مشکوکی برمیخورید، ابتدا با
ملايمت و ادب با او برخورد کنید و اگر فـد
انقلاب است وقت با قاطعیت آن پنجه‌ها نین
را که از سوی خدای متعال و جمهوری اسلامی
ایران بشما داده شده، بکار گیرید."

سا ندویچ ۷۰ تومانی

در جلسه هفتگی مسئولین انتظامی
شهرات، یکی از مسئولین سپاه پاسداران از
نیروهای انتظامی و ادارات شهیران خواست
بخاطر حرمت خون شهدا، مراسم تشییع جنازه
شهیدان را با شکوه تر برگزار کرده و درصدی
از کارمندان ادارات بهمراسم مسئولین در
این مراسم شرکت کنند. در همین جلسه، در
رابطه با گرانی ساندویچ که قیمت ۷ تومان
در تله کابین توجال بفروش میرود و نیز
بستنی ۱۲۵ ریالی صحبت شد. در باره این
قیمتها مسئول امور صنفی شهیران گفت
تله کابین توجال توسط بنیاد مستغفیان
اداره میشود و از آنها چندین بار خواسته
ایم که غذاهای ارزانیتری در اختیار مردم
قرار دهند!

نزدیک به پنجاه سال از حکومت ضد بشری خمینی و دستیاران چنانگارش نجار و سرایداران زانو (صلت) می گذرد و پیش از چهار سال از رویزه حکومت وابسته به امپریالیسم شاه چنانگارش در اثر قیام خونین خلق درهم فرو ریخت سپری می شود . هنوز خلقهای زحمتکش با یاد دارند که چگونه شاه با چشمی گریان همراه خاندان کوفه خود سوار هواپیما ماند . دیار اربابان خود گردید . هنوز ظنین شعارهای گوشه مرگ بر شاه - مرگ بر آمریکا - مرگ بر بختیار - نوکری بختیار در گوش مردم باقی است و هنوز لحظات فراموش نشدنی قیام مسلحانه خلق در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ و تسخیر مراکز دولتی - رادیو تلویزیون - کلاسترها - پادگانها و ۵۰۰۰ از خاطرها محو نگشته و هنوز شعارهای استقلال - کار - صحت - آزادی بر دیوارهای شهرها برجای ماند و است و خاطره گرامی و پرشکو سفرهای خیابانی در مکه - تده شده با عنوان تجربه ارزنده است . حال چگونه است که پس از گذشت نزدیک به ۵ سال این خادمان امپریالیسم آمریکا (شاه فراری با گاری (بختیار نوکری بختیار) دایه میزبانین را مارد شده و برای خلقهای زحمتکش آشک تصاح می ریزند ؟ چشیده که اچمی جلاد خلق کرد - امین نوکریامپریالیسم بختیار نوکر صفت همراه توله فراری شاه مجدد " بگر خلقهای محرم این مملکت افتاده اند ؟ در حالی که هنوز خیابانها - کوچهها و کوهها و دشتهای میهنای از خون فرزندان دلاور این مرز و بوم که بدست دار و دسته شاه خان به شهادت رسید مانند رنگین است گمان می کنند که همه این جنایتها یفراموشی سپرده شده است؟ خلقهای محرم میهن ما هیچ وقت فراموش نکردند که چگونه رژیم چنانگارش وابسته به امپریالیسم شاه برای رساندن ایران به باطل و تاریک روزهای تمدن بزرگی واداعه وضع فلاکت با رگات و چپاول خلق توسط امپریالیستها از هیچ روشی در جهت سرکوب خلق واداعه خوشحدمتی بهامپریالیستها فروگذارد نکرد . کشتار نزدیک به ۵۰ هزار نفر در آذربایجان و کردستان در سالهای ۲۵ و ۲۶ اعداسای دستجمعی پس از کودتای ۲۸ مرداد اندک کشتارهای ۱۵۰۰ خرداد - بهنگلوه پشتر کارگران جهانیت کرب در سال ۱۳۵۷ و شکیبهای قرن وسطانی انقلابی در سیا حالهای ایران صری - قتل عام مردم در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ آبان ۵۷ و غیره ۵۰۰ از آن جملاتند . ضدانقلابیین سلطنت طلبه عیب به تک و تا افتاده و تلاش می کنند تا با استفاده از ناراضای صوبی نسبت به حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی و خیانتها و چنانگیای پهلویان چنین وانمود کنند که گویا بهشت موجود را آنها می توانند به خلقهای محرم ارزانی دارند . غافل از اینکه خلق قهرمان ایران نرگوان مبارزات آبدیده شده و ضمن اینکه ضد انقلاب خمینی را هلاکت آنها به زبالدان تاریخ خواهد فرستاد جرات نفس کشیدن مجدد در هرگز به ضد انقلاب سلطنت طلب نخواهد داد . چرا که ضد انقلاب سلطنت طلب با ضد انقلاب خمینی وجه اشتراک فراوان دارند

صلوات جای پول

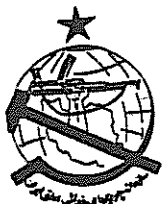
در شهر مریوان تعمیر اتومبیل، تلگراف، توزیع ارزاق و مایحتاج عمومی بین مردم بصورت "ملواتی" انجام میشود و هر نهادی بستگی به امکانات خود، دسپه‌های صدام و صدامیان را نقش بر آب کرده است.

ما روا رقاً مفيد

یکی از نمایندگان مجلس اسلامی در رابطه با برنامه ۵ ساله دولت، پیرامون نیروی انسانی گفت:

جمعیت ایران تا پایان سال ۶۱ به ۴۰ هزار تن رسید و نسبت شهرنشینان در سال ۴۵ رقیب معادل ۳۸ درصد بوده در ۶۱ به ۵۱ درصد افزایش یافته است. رشد محبت از ۲۷۱۵ درصد به ۵۵ به ۳۱ درصد سال ۶۱ افزایش یافته است. همانگونه که می‌بینیم، رشد از یک رشد قابل ملاحظه‌ای در راه است.

[illegible][illegible]



حمله قهرمانانه پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به پایگاه قاقلای - منطقه بوکان

هیزمان یا سالک در نظر از پیشمرگان د لیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران رفتای فدائی انور اعظمی و جهاد کاشی که سال گذشته در نبردی قهرمانانه علیه مزدوران رژیم خون آشام خمینی در منطقه بوکان به شهادت رسیدند، بودند. دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شانگاه ششم شهریور ماه با یک برنامه از پیش طرح ریزی شده به پایگاه قاقلای در اطراف منطقه سچکن یورش آوردند. دشمن نتوانست بدون قسری از پایگاه با سلاحهای نیمه سنگین و سلاح نظیر آرمی - جی هفت هتار تانک آنداز و مسلسل دستی ارتشیان کجاشاه و پاسداران مستقر در پایگاه را زیر آتش سنگین خود گرفتند و ده نژادی از آنان را کشته و زخمی کردند. از تعداد کشته شده ها و زخمی اطلاع دقیقی در دست نیست. شدت حملات پیشمرگان قهرمان فدائی بعدی بود که حتی دسته ای از مزدوران ارتشی و جانشینان را که برای محافظت از پایگاه در سه قسمت به کین تقسیم بودند، غیرت و کین العمل پیدا نکردند و زیر آتش سنگین پیشمرگان و ضربات خود کشته شدند. مسلسل فدائیان به گوشه سنگرها خزیدند و توان مقابله از آنها صلب شد. بود. مزدوران مستقر در پایگاه نیز پس از حملات پیشمرگان دیرانه وار و هاج و واج به اطراف شلیک کرده و با آتش سلاحهای سنگین مانند توپ و خپاره و آرمی جی هفت سعی داشتند راه را بر پیشمرگان قهرمان سد کنند. اما پیشمرگان دلیله فدائی پس از موفقیت کامل در عملیات ضربتی خرید هکی سالم به پایگاه هایشان بازگشتند. پس از این حمله موفقیت آمیز دشمن زبون طبق معمول هجشی خود بقصد انتقام جرحی مدتی مدید روستاها و مناطق اطراف را زیر آتش توپ و خپاره گرفت. اما از آیین حملات جنون آمیز و ضد مردی خود جز خشم و نفرت باز هم بیشتر مردم منطقه نصیبی نبود. و خوبختانه به کس آسیبی نرسید.

صبح روز بعد روستائیان منطقه با غذای و سرور از پیشمرگان قهرمان فدائی استقبال نموده و بصورت غیر قابل وصفی شغرتندی خود را از این اقدام قهرمانانه آنان ابراز داشتند.

سرگرد بر امیرالایسم جهانی به سرکردگی آمریکا و پایگاه داخلیش

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

پیروز باد مبارزات قهرمانانه خلق کرد در راه آزادی و خود مختاری

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

۷ شهریور ماه ۱۳۶۲

چندین ساعت نبرد مجبور به عقب نشینی از منطقه شدند. (همان منبع) ☆

شرایع

ریگای گهل

تولید کننده انواع لوازم خانگی

را بخوانید

بدنبال تصرف پایگاه سازمان توسط پیشمرگان کومه له، نیروهای دولتی برای جبران شکستهای پی در پی خود به روستای مزبور حمله ور شدند که با مقاومت پیشرگان کومه له (هیز شهبان کامیاران) روبه رو گردید. در اولین ساعات نبرد یک زیلارتنی منهدم شده و کلیه سرنشینان آن به هلاکت رسیدند و اسلحه و مهمات آنان بدست پیشمرگان افتاد. نیروهای حکومتی پس از

بقیه از صفحه ۲
میروند. در همان لحظات اولیه درگیری بلندی های اطراف تحت کنترل رفقهای پیشمرگه سازمان درمی آید و عده زیادی از مزدوران کشته میشوند. متأسفانه طی این عملیات یکی از رفقا به نام محمدکس ندانی (معروف به همکس) فرمانده عملیات به شهادت رسید.

☆☆☆

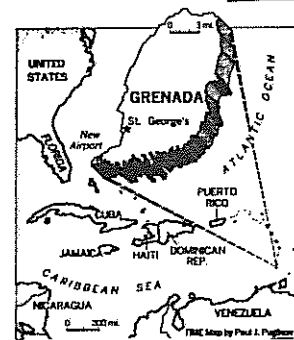
دیواندره

نیروهای حکومت جمهوری اسلامی از پایگاه "سوته" واقع در منطقه "خورخوره" سقر در روستای دگاگا را با خمپاره مورد حمله قرار دادند و خسارات مالی فراوانی به روستائیان وارد آوردند. و پس از آن در ساعت ۱۱ صبح به روستا وارد شده و ۲۰ نفر از مردم روستا را بعنوان گروگان با خود به پایگاه "سوته" بردند و هر کدام از گروگانها را به مدت نیم ساعت از پا آویزان کردند. همچنین نیروهای حکومت در روز ۲۴/۸/۸۲ به روستای خورخوره حمله ور شده و به اذیت و آزار مردم پرداختند. در این هجوم تعدادی از خانه های مردم را با خاک یکسان کردند و عده ای زن و کودک را بعنوان گروگان همراه خود به پایگاه "شریف آباد" واقع در همان منطقه بردند. در این تهاجم اسوال و احتشام روستائیان مورد غارت سیاهپسان جمهوری اسلامی قرار گرفت. در جریان این تهاجمات و فشارها، نیروهای حکومت بدام از مردم میخواستند که بر علیه پیشمرگان اسلحه بدست بگیرند، اما علیرغم تمام این تضمینات مردم در مقابل این خواست حکومت مقاومت کرده و حاضر به گرفتن اسلحه نشدند. "به نقل از نماینده کومه له در خارج از کشور"

کامیاران

نیروهای رژیم با مطلع شدن از وجود پیشمرگان در روستای "آواله" واقع در یک کیلومتری جاده (سندج - کامیاران) شروع به جمع آوری نفرات و تمرکز قوا جهت حمله به روستای مزبور نمود و از چند طرف خود را آماده حمله و محاصره پیشمرگان نمودند و از طرف روستاهای آواله، تهتمه تان (تجآباد) و آفریان به طرف پیشمرگان حمله ور شدند. پیشمرگان کومه له با به کنترل درآوردن ارتفاعات منطقه به مقابله برخاستند. در جریان این نبرد، تلفات سنگینی به نیروهای حکومتی وارد آمد و برای ششمین بار حملات آنها به منطقه مزبور با شکست کامل روبرو گردید. در این نبرد دو تن از پیشمرگان فدای کار کومه له به شهادت رسیدند. (همان منبع) ○ ○ ○

کامیاران - ۸۲/۸/۲۸



روز چهارشنبه ۲۶ اکتبر، ریگان رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که دستور داده است تفنگداران آمریکایی در گرانادا پیاده شده و آن کشور را اشغال نمایند. ریگان در سخنرانی خود گفت که روسای ۷ جزیره دریای کارائیب از آمریکا خواسته‌اند که با تفاق نیروهای آنان، جزیره را با اشغال خود دریافت کنند. این جزایر عبارتند از: جامائیکا (Jamaica)، باربودوس (Barbados)، دمنیک (Dominica)، سنت لوسیا (St. Lucia)، سنت وینسنت (St. Vincent)، آنتی‌گوا (Antigua)، سنت کیتس نویس (St. Kitts نویس)، سنت میس (St. Mevis). بدینال این سخنرانی و در طی یک برنامه تجار گرانه طرح ریزی شده، پانزده هزار تن از تفنگداران آمریکا بسی رحمانه حملات خود را به جزیره کوچک گرانادا آغاز کردند و جنایتی دیگر برخیل جنایات امپریالیسم آمریکا افزودن گردید. ریگان قصد از این عملیات را باصلاح نجات جان دانشجویان آمریکایی و استقرار "حکومت دمکراسی" در گرانادا اعلام کرد.

گرانادا کوچک‌ترین کشور نیمکره غربی و یکی از زیباترین جزایر دریای کارائیب می‌باشد. جمعیت آن حدود ۱۱۰ هزار نفر و وسعت آن ۱۳۲ مایل مربع می‌باشد و در ۹۰ مایلی شمال کشور ونزوئلا قرار گرفته‌است. این جزیره توسط "کلمبوس" در سال ۱۴۹۸ کشف گردید و بعدها توسط فرانسویها و انگلیسی‌ها اشغال شد. انگلستان از سال ۱۷۸۴ گرانادا را جزو مستعمرات خود درآورد و بردگان آفریقایی را به آنجا برده و وادار به کار کردن در صنایع نیشکری کردند بنابراین بردگان جزو اولین جمعیت بومی این جزیره محسوب می‌شوند. در سال ۱۹۷۴ گرانادا نیز چون چندین جزیره دیگر تحت کنترل انگلستان، به استقلال دست یافت.

اوضاع سیاسی گرانادا

در سال ۱۹۷۴ همزمان با اعلام استقلال گرانادا، "اریک گایری" (Eric Gairy) رهبر اتحادیه و صاحب‌نایب‌کلاب و مؤسس حزب

متحد کار، به قدرت رسید و زمام امور کشور را در دست گرفت که تا سال ۱۹۷۹ در قدرت باقی بود. در این سال "موریس بی‌شاپ" (Maurice Bishop) با یک کودتای آرام و بدون خونریزی، زمامتیکه "اریک گایری" در نیویورک بود، یک حکومت مردمی را سر کار آورد. موریس بی‌شاپ، گایری را متهم به عدم لیاقت در اداره کشور و وابسته نمودن کشور به آمریکا نمود. در دوره حکومت بی‌شاپ کارهای عمرانی بسیاری در گرانادا صورت گرفت و در حیطه سیاست خارجی نیز گرانادا روابط و همکاری‌های خود را با کشورهای مرفعی و سوسیالیست گسترش داد. در اوایل ماه اکتبر، یک گروه ارتشی که رهبری آنرا معاون نخست‌وزیر "برنارد کورد" (Bernard Coard) پیاده دانست، بدینال بالا گرفتن اختلافات درونی دولت بی‌شاپ را سرنگون و چند روز بعد از سقوط دولت، بی‌شاپ به همراه ۵ تن از وزرای - کابینش کشته شدند و ژنرال "هودسون آستین" (Hudson Austin) رهبری دولت را در دست گرفت.



آستین

"جنبش نوین جول" New Jewel Movement

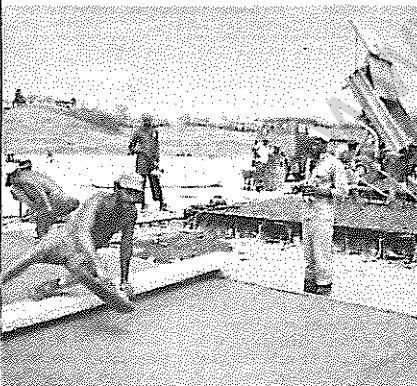
زمانیکه در سیزدهم مارچ ۱۹۷۹، انقلاب گرانادا با رهبری جنبش نوین جول (N.J.M.) به رهبری موریس بی‌شاپ طی عملیات متهورانه ای بنام "عملیات سیب" به پیروزی رسید، مردم گرانادا با خوشحالی از آن استقبال کردند.

جنبش نوین جول (N.J.M.) در ۱۱ مارچ ۱۹۷۳ از اتحاد دوازده ساله مختلف "تلاش متحد برای رفاه آموزش و آزادی (Jewel)" به رهبری "اونیسون ویتمن" (O. Withman) و "جنبش برای مجمع خلق" (M.A.P.) به رهبری وکلای جوان "موریس بی‌شاپ" و "انریچ رادیکس" (E. Radix) پایه‌گذاری شد. جنبش نوین جول از سال ۱۹۷۴ سه کرسی از ۶ کرسی بدست آمده بوسیله نیروهای اپوزیسیون را شصت خود ساخت و موریس بی‌شاپ بعنوان رهبر اپوزیسیون پارلمان شناخته شد.

جنبش نوین جول در اسانما هاش مجموعه ای اقدامات غیرسرمایه‌داری برای مقابله با مشکلات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی را در پیش گذاشته و دیدگاه ملی ضد امپریالیستی

و ضد استعماری را در بعد جهانی پذیرفته و حمایتش را از جنبش کشورهای غیر متعهد اعلام داشته بود. این بود که مردم گرانادا که سالها زیر ستم دیکتاتوری "اریک ماتیو گایری"، نخست‌وزیر دست‌نشانده انگلستان بودند از قدرت‌گیری (N.J.M.) و آزادی - کشورشان استقبال کردند.

در سالهای اخیر که حکومت مردمی در گرانادا مستقر بود، کارهای عمرانی بسیاری در دست اجرا بود و کشور کوبا تعدادی کارگر ساختمان و متخصص را جهت همکاری در تهیه این پروژه‌های عمرانی به گرانادا اعزام داشته بود. منجمله تعدادی کارگر ساختمانی در کارهای مربوط به ساختن یک فرودگاه جدید بین‌المللی برای گرانادا مشغول بکار بودند. در این رابطه فیدل کاسترو، رهبر کوبا در یک مصاحبه مطبوعاتی بعد از اشغال تجار گرانه آمریکا گفت که هیچگونه مسئله پنهان کاری در مورد کوبایی‌های مستقر در گرانادا وجود نداشته و درواقع همه کشورها این موضوع را میدانستند. وی گفت اغلب کارگران کوبایی در ساختن فرودگاه گرانادا همکاری میکرده‌اند. کاسترو گفت تعداد کارگران ۵۵۰ تن بوده است و علاوه بر آن تعدادی دکتر، مهندس و تکنیسین کوبایی و حداکثر ۴۰ کارشناس نظامی نیز در جزیره خدمت میکرده‌اند. فیدل کاسترو گفت که از طرف حکومت بی‌شاپ به کارگران کوبایی جهت دفاع از خود اسلحه‌های سبک داده شده بود. کاسترو روابط کوبا را با رهبری که بعد از کشته شدن بی‌شاپ سرکار آمد بسیار سردوستانانه - ای‌حاد اعلام کرد و کشتن موریس بی‌شاپ را هم قویا محکوم کرد.



مدمهائی که حکومت مردمی گرانادا جهت ساختن یک کشور آزاد و پر قدرت برپیداشت که میتوانست الگوی پیروزمندی برای مردم سایر کشورهای جزایر کارائیب باشد، امپریالیسم آمریکا را تهدید به وحشت انداخته بود. سال گذشته در کنفرانس ران

کشورهای کارائیب دست نشانده آمریکا، ریگان خطاب به شرکت کنندگان گفت: "گرانادا همراه با کوبا و نیکاراگوئه و شوری سعی دارند ویروس کمونیسم را در سراسر دریای کارائیب توسعه دهند."

عکس العمل کشورهای مختلف

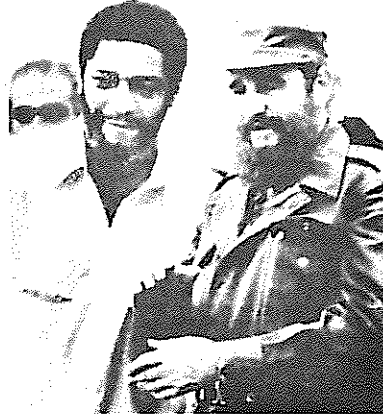
در رابطه با اشغال گرانادا

در روز ۲۵ اکتبر ۱۹۸۳، یک روز پس از کشته شدن موریس بیثاب، نخست وزیر گرانادا و پنج روز قبل از تجاوز نظامی امپریالیزم آمریکا به خاک این کشور، اعلامیه ای از جانب حزب کمونیست کوبا در مورد اوضاع گرانادا صادر شد. در این اعلامیه پس از اشاره به وقایعی که منجر به کشته شدن بیثاب شده، چنین آمده است:

"بیثابی یکی از رهبران سیاسی بود که بخاطر استعداد و صداقت انقلابی و اینکه دوستی خود را به کشور ما ثابت نموده بود، بپیار مورد احترام خلق ما بود. وی دارای پرستیژ بین المللی والای بود. خبر درگذشت او موجب تأسف رهبری حزب ما شد و ما یاد وی را گرامی میداریم. متأسفانه اختلافات درونی انقلابیون گرانادا باعث این واقعه خونین شد. امپریالیزم اکنون تلاش خواهد کرد تا از این تراژدی و از اشتباهات مهلک انقلابیون گرانادا استفاده نموده، ضربات خود را بر دستاوردهای انقلاب گرانادا وارد آورد."

در انتهای این اعلامیه آمده است که این وقایع اثری بر کمکهای اقتصادی و تکنولوژیک کوبا به انقلابیون گرانادا نخواهد گذاشت ولی روابط سیاسی با رهبران جدید می باید مورد تامل و بررسی عمیقی قرار گیرد.

دولت کوبا اعلام کرد که کارگران کوبایی در گرانادا بمدت ۳ ساعت در دفاع از خود به مقابله با نیروهای تجاوزگر پرداختند. سفیر کوبا در گرانادا که با کارگران کوبایی در تماس بوده، اطلاع داد که آنها می گفتند که تا آخرین نفس و آخرین گلوله علیه آمریکای تجاوزگر خواهند جنگید. تعدادی از کارگران کوبایی بعد از مبارزه حماسه انگیز و در حالیکه گلوله هایشان به اتمام رسیده بود، خود را بدور پرچم های کوبا پیچانده و بهمان وضع هدف گلوله های مزدوران امپریالیزم قرار گرفتند. فیدل کاسترو ضمن محکوم کردن عمل تجاوزگرانه آمریکا آنرا یک اشتباه عظیم سیاسی خواند. وی گفت هیچگونه خطری متوجه آمریکایی های مقیم جزیره نبوده است. در هائانا، پایتخت کوبا، مدارس تعطیل و تظاهرات با شکوهی علیه دخالت نظامی آمریکا در گرانادا برگزار گردید.



Bishop with Castro during a meeting in Havana last July

مقامات حکومت انقلابی نیکاراگوئه، اشغال گرانادا توسط آمریکا را زنگ خطری برای انقلاب خود دانستند. در این کشور نیز تظاهرات عظیمی علیه آمریکا صورت گرفت.

خبرگزاری تاس گزارش داد چیزی که در گرانادا اتفاق افتاد، در واقع تجاوز مسلحانه علیه مردم ملحد دوست دولت کشور کوچکی بود که هیچ چیز را تهدید نمیکردند و در واقع هدفش بهم زدن و رنگین کردن سیستم سوسیالیستی بود که در گرانادا مستقر گردیده بود. اتحاد جماهیر شوروی از دخالت آمریکا بعنوان یک عمل جنایتکارانه نام برده و ضمن محکوم کردن آن خواستار خروج فوری نیروهای اشغالگر شد.

تقریباً کلیه کشورهای جهان، حتی امپریالیست های اروپایی نیز تجاوز آمریکا به گرانادا را محکوم کردند. در سراسر اروپا و آمریکا تظاهرات وسیعی علیه دولت آمریکا برای افتاد و در چند نقطه مردم پرچم های آمریکا را سوزاندند. در تظاهرات مقابل سازمان ملل بیست و ۲۵۰۰ تن شرکت کردند، تظاهرات مشابهی نیز در چارلستون - کارولینای جنوبی، آن آرپور - میشیگان، سینا پولیس، دیترویت، بوستن، لوس آنجلس و اشتگتن، برکلی و سانفرانسیسکو برگزار گردید. شهردار برکلی به ۴۰۰ تن از تظاهرکنندگان در مقابل ساختمان فدرال سانفرانسیسکو گفت که تجاوز به گرانادا و تبلیغات بعد از آن برای محو کبک شدن مسئله لبنان در اذهان مردم صورت گرفته است. چند ساعت بعد از آن، بیش از هزار تن در حالیکه علیه ریگان شعار میدادند، در خیابانهای برکلی دست به تظاهرات زدند. سه تن از تظاهرکنندگان توسط پلیس دستگیر شدند.

نمایندگان نیکاراگوئه و کوبا در سازمان ملل، خواستار تشکیل شورای امنیت

سازمان ملل جهت رسیدگی به اشغال آمریکا در گرانادا و محکوم کردن آن شدند. قطع نامه ای که توسط نمایندگان نیکاراگوئه، زیمبابوئه و کینه تهیه شده و ضمن محکوم کردن دخالت نظامی آمریکا، خواستار پایان دادن به تجاوز مسلحانه و تخلیه فوری نیروهای تجاوزگر شده بود با رای اکثریت قریب باتفاق مورد تصویب قرار گرفت ولی توسط نماینده آمریکا و تو شد. این قطع نامه با ۱۱ رای مثبت، یک رای منفی (آمریکا) و سه رای ممتنع به تصویب رسید. نمایندگان بیش از ۶۰ کشور شاهد تشکیل جلسه شورای امنیت سازمان ملل بودند و اکثریت آنان تجاوز آمریکا را شدیداً محکوم میکردند.

طبق آخرین اخبار از جنایات آمریکا در گرانادا یک بیمارستان روانی در جریان حمله وحشیانه تفنگداران آمریکا به گرانادا بمباران گردیده که در نتیجه آن اکثر بیماران کشته شدند.

پاکستان

"واین برگز" وزیر دفاع آمریکا در پایان سفر خود به آسیا در روز ۲۵ سپتامبر وارد پاکستان شد. وی در فرودگاه کراچی در یک مصاحبه گفت: "پاکستان دارای اهمیت خاصی در منطقه سیاست و دولت آمریکا احساس بنیادین عمیق برای مقامات پاکستانی دارد." وی پس از آنکه داد که امیدوار است غرض روابط دو کشور را مستحکمتر نماید. بدشال سفر "واین برگز" به پاکستان، ضیاء الحق دیکتاتور این کشور در مصاحبه ای اعلام کرد که وی مشکلی در راه واکسازی پایگاه های نظامی در خاک پاکستان به آمریکا نمی بیند. از طرف دیگر ژنرال چارلز کابریل "فرمانده نیروی هوایی آمریکا نیز در راس یک هیئت ۷ نفره نظامی به مدت سه روز از پاکستان دیدن کرده و مذاکراتی با مقامات پاکستانی بعمل آورد که در آن پیرامون خرید تسلیحات نظامی از آمریکا تبادل نظر شد. حکومت نظامی و دیکتاتوری پاکستان اخیراً قرارداد خرید ۴۰ هواپیمای جنگنده F-16 و یک سیستم دفاع هوایی به مبلغ ۱/۶ میلیارد دلار که بخشی از برنامه کمکهای نظامی امپریالیزم آمریکا به آن کشور است را امضاء نمود. در نیویورک نیز "جرج شولتز" وزیر امور خارجه آمریکا با "ماحب زاده یعقوب خان" وزیر امور خارجه پاکستان ملاقات و مذاکره بعمل آورد.

این ملاقاتها در حالی صورت میگیرد

ضبط نمود. سردبیر این روزنامه متعاقباً خود را تسلیم پلیس کرده است.

السالوادور

رادیو جبهه رهاشیش فارا بوند و مارتی اعلام کرد که در ایالت "چالانانگو"، یک دولت محلی تشکیل شده است. رادیوی مزبور این اقدام را یک گام تاریخی توصیف کرد. سال گذشته چریکهای انقلابی السالوادور از روستائیان خواسته بودند تا به استان خود باز گردند و زمینههای ایجاد نهادهای مردمی و تشکیل دولت انقلابی را ممکن سازند.

در نیروهای شدیدی که بین چریکهای انقلابی و نیروهای دولتی در گرفت، مدتها نفر از افراد دشمن کشته و دو شهر در شرق پایتخت به تصرف انقلابیون درآمد. در این درگیریها ۴۰ تن از نیروهای سرکوبگر نیز به اسارت چریکها درآمدند. یکی از مقامات وزارت دفاع السالوادور اعتراف کرد که شهر "تناسینگو" که در جنوب دو پروزه هیدرو الکتریک که برق نیمی از السالوادور را تامین میکند، واقع شده، در دست نیروهای انقلابی قرار دارد ولی چند روز بعد، ارتش ضد خلقی به قیمت یک کشتار واقعی تناسینگو را دوباره اشغال کرد. طبق گزارش فرستاده "ویژه" روزنامه لوموند در السالوادور، صورت زنان این منطقه در اثر انفجار بمب سوخته و روی بدن اکثر کودکان که زنده مانده بودند، آثار جراحات وجود داشته است. طبق گفته یکی از اهالی، مردم روی با مهای خانههایشان بعلامت ملج پارچههای سفید زده بودند، ولی با اینحال سرکوبگران منطقه را بمباران کردند. یکی دیگر از اهالی در مقام مقایسه میگفت چریکها طوری منطقه را به کنترل خود درمیاوردند که هیچکس کشته نشود، در حالیکه رژیم برای اشغال اینجا بین ۳۰ تا ۱۰۰ نفر از اهالی را بهلاکت رساند.

شیلی

در ششمین روز اعتراض عمومی به رژیم دیکتاتوری نظامی ژنرال پینوشه در شیلی، بدعوت "جنبش دمکراتیک و خلقی" مردم شیلی دهها هزار نفر در راه پیمایی با شکوهی شرکت نمودند. "جنبش دمکراتیک و خلقی" از سازمانها و تشکلهای مختلف منجمله سازمان انقلابی میر و حزب کمونیست شیلی تشکیل گردیده است. "اتحاد دمکراتیک" که دمکرات مسیحی ها و میانه رویهای شیلی از جمهورخواهان راست تا حزب سوسیالیست را شامل میشود، شرکت در روز اعتراض عمومی،



ماراج محمدخان یکی از رهبران مخالفین ضیاء الحق در حال نطق در کراچی

این عملیات در حالی صورت گرفت که این واحد ارتشی بعد از ۳ روز تعقیب نیروهای کونیست در جنگل ها، در محل امنی به استراحت پرداخته و آماده حملات بعدی خود به نیروهای انقلابی میشدند. طبق اظهارات شاهدان عینی، این حمله توسط نیروهای چریکی که تعدادشان ۷۰ نفر بوده و در کمتر از ۵ دقیقه صورت گرفته است.

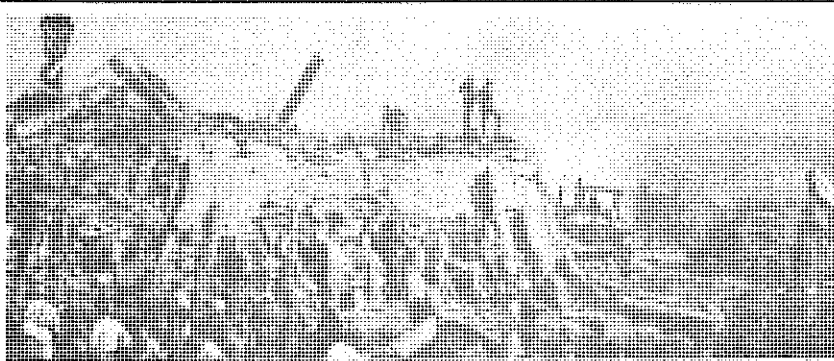
به نقل از روزنامه لوموند، اسقف مانیل تشا راه اجتناب از یک "انقلاب خونین" را در بازگشت به دمکراسی دانسته و اظهار داشته است که هم اکنون دانشجویان کارگران، کارمندان و طبقات میانی همگی مخالف رژیم مارکوس هستند. وضعیت کنونی فیلیپین، آمریکا را خدیدا نگران کرده است و منافع اقتصادی و استراتژیک آن را با خطری جدی مواجه ساخته است. ریگان رئیس جمهور آمریکا که قصد داشت در سفر خود به آسیا، از فیلیپین نیز دیدن نماید، به علت موج اعتراضات و تظاهرات مردم بر علیه مارکوس و امپریالیسم آمریکا، سفر خود را لغو کرد.

روزنامه لوموند در تاریخ یکشنبه ۲ و دوشنبه ۳ اکتبر در همین رابطه می افزاید: در روز ۳۰ سپتامبر مخالفین رژیم مارکوس یکبار دیگر در مانیل دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات چندین هزار نفر شرکت داشتند و وقتی که پلیس بقصد متفرق کردن تظاهرکنندگان به طرف آنان حمله ور شد، از خانه ها و موسسات دولتی اطراف شیشه بظری و وسایل دیگر به طرف پلیس پرتاب شد که در نتیجه آن چندین نفر از افراد پلیس زخمی شدند. پلیس نیز چندین نفر منجمله دو خبرنگار خارجی را دستگیر کرد که یکی از آنها بعداً آزاد شد. همچنین پلیس ساختمان یکی از روزنامه های مخالف رژیم را مهروموم کرد و اموال آنرا

که موج وسیع اعتراضات مردم نسبت به رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق سراسر پاکستان را فرا گرفته است. دولت پاکستان اعلام کرد که در ۱۰ هفته گذشته بعلمت تظاهرات و اعتصابات مردم، بیش از ۴ هزار نفر دستگیر شده اند. در ایالت سند که گسترده ترین مبارزات جریان دارد، بیش از ۲ هزار نفر تاکنون دستگیر شده اند. "جنبش استقرار دمکراسی" که تقریباً تمام سازمانهای سیاسی پاکستان را در خود متشکل کرده است از حدود ۲ ماه قبل مردم پاکستان را به عدم اطاعت از رژیم حاکم فرا خوانده است. در درگیری های مردم با نیروهای سرکوبگر رژیم، تاکنون مدتها تن کشته شده اند و علاوه بر ایالت سند، در ایالت بلوچستان و ایالات مرزی شمال غربی کشور نیز جنبش اعتراضی در ابعاد وسیعی تداوم دارد. بنظر میرسد که چنانچه ضیاء الحق قادر "به اداره کشور" و سرکوب قطعی مبارزات حق طلبانه مردم نگردد، ارتش مستقلاً عمل کرده حتی اگر به قیمت سقوط ضیاء الحق از اریکه قدرت باشد.

فیلیپین

مبارزات گسترده مردم در فیلیپین همچنان ادامه دارد و هر روز بر وسعت آن افزوده میگردد. در حمله ای که توسط نیروهای انقلابی کمونیست به یک واحد ارتش در شمال غربی ایالت زامبونگا صورت گرفت، حداقل ۴۶ تن از نیروهای سرکوبگر دشمن بهلاکت رسیدند. مقامات امنیتی فیلیپین اعتراف کردند که این حمله بزرگترین حمله ای بوده است که در ظرف ده سال گذشته در یک نوبت این چنین تلفات سنگینی به آن وارد آورده است. فرمانده این واحد ارتش نیز جزو کشته شدگان میباشد.



تظاهرات برای حمایت از سازمان ملل متحد در نیویورک

را رد کرده، ولی خود در همان روز "راه - پیمایی برای دموکراسی" را در سانتیاگو و چند شهر دیگر سازمان دادند.

• • • •

پرو

در تظاهرات گسترده‌ای که به دموکرات‌های عمومی کارگران پرو (C.G.T.P.) در لیما برگزار گردید، دهها هزار نفر شرکت کردند. این اعتراضات که علیه رژیم دست‌نشانده آن کشور توسط کارگران صورت میگرفت، توسط کاردهای رژیم دیکتاتوری به خاک و خون کشیده شد. در نتیجه حمله پلیس و گارد، حداقل ۲ کارگر کشته و بیش از ۱۵۰ تن دستگیر شدند. در این تظاهرات دانشجویان دانشگاه لیما به حمایت از کارگران، در خیابانها به سنگربندی پرداختند. دولت پرو هرگونه اعتصاب و تظاهرات را در این کشور غیرقانونی اعلام کرده و بدلیل وحشت از گسترش اعتراضات، کلیه مدارس آن کشور را نیز تعطیل نمود. در خبر دیگری آمده است که نیروهای انقلابی در لیما، بمب‌نیرومندی را در محل حزب رئیس‌جمهور پرو منفجر کردند که در نتیجه ۵ تن کشته شدند ولی "فرناندو بلونده-پری" رئیس‌جمهور از این حادثه جان سالم بدر برد.

• • • •

اروگوئه

خبرگزاری گویا گزارش داد که دانشجویان اروگوئه در "مونتویدئو"، پایتخت این کشور، دست به یک راه‌پیمایی عظیم زدند که با موج حمایت و پشتیبانی مردم این کشور مواجه بوده است. مردم در مسیر راه پیمایی با شعارهایی چون "مردم با شما هستند" از تظاهرات دانشمویان بر علیه رژیم نظامی و دست‌نشانده این کشور استقبال و حمایت کردند. با وجودیکه رژیم دیکتاتوری، اقدامات وسیعی را بمنظور جلوگیری از هرگونه اعتراضات مردمی بعمل آورد، ولی تظاهرات متعدد دیگری نیز در چندین شهر این کشور برگزار گردید.

• • •

لبنان

در روز یکشنبه ۲۳ اکتبر، قرارگاه مرکزی تننگداران آمریکایی متفر در بیروت توسط مواد منفجره‌ای که در یک کامیون قرار داشت، منفجر و ساختمان آن با خاک یکسان گردید. در این انفجار ۳۳۰ تن از تننگداران آمریکا کشته و تعداد بسیاری مجروح شدند. این انفجار زمانی بوقوع

پیوست که یک کامیون حامل ۲۶۰۰ پوند مواد منفجره T.N.T. بعد از گذشتن از مراکز بازرسی با سرعت زیادی خود را به ساختمان قرارگاه زد که در نتیجه انفجار بوقوع پیوست.

چند دقیقه بعد از این انفجار، قرارگاه سربازان فرانسوی متفر در بیروت نیز بهمین طریق منفجر گردید که در نتیجه ۵۸ سرباز فرانسوی کشته و ۸۰ تن مجروح شدند. مقامات آمریکایی تلفات حادثه بیروت را بالاترین رقم تلفات یک حادثه بعد از حمله به بندر پرل هاربر در جنگ جهانی دوم دانستند.

مسئولیت این انفجار را چند سازمان اسلامی بعهده گرفتند. مقامات آمریکایی سازمان امل اسلامی را که از سازمان بنام موسوی بعهده دارد، مسئول این انفجار دانستند و گفتند که این سازمان در حمایت سوریه و جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. رهبران رژیم جمهوری اسلامی هرگونه ارتباط با حمل انفجار را رد کردند.

• • •

نیکاراگوئه

بدنبال سیاستهای تجا و زکرائی امپریالیسم آمریکا در آمریکای لاتین، دولت آمریکا اقدامات تخریبی دیگری را در منطقه جهت سرنگون کردن دولت انقلابی نیکاراگوئه و سرکوب جنبش‌های آزادیبخش آغاز کرده است. در این رابطه دولت آمریکا به ارسال انواع سلاحها جهت تقویت ضدانقلابیون نیکاراگوئه ادامه میدهد. لوس آنجلس تایمز در اینمورد گزارش داد که هواپیماهایی که از پایگاه هوانایی "ایلو پانگو" عازم نیکاراگوئه میشوند، بوسیله عوامل سازمان C.I.A. و خلبانان السالوادوری که در مدارس ویژه سیا تعلیم دیده‌اند، هدایت میشوند. خبرگزاری تاس در اینمورد گزارش داد که این هواپیماها

حامل محمولات نظامی برای ضدانقلابیون نیکاراگوئه هستند که با مستقیم از آمریکا به پرواز درمی‌آیند و با پایگاه‌های نظامی آمریکا در پاناما.

در ادامه تیردهای سنگین میان ساندینیستها و ضدانقلابیون، وزارت دفاع نیکاراگوئه اعلام کرد که یک هواپیمای نظامی آمریکایی را که برای ضد انقلابیون سلاح حمل میکرده، در شمال این کشور سرنگون کرده است. در این عملیات دو تن از سرنشینان هواپیمای "سی - ۳" کشته و دو تن فرار کرده و سه تن نیز توسط نیروهای انقلابی دستگیر شده‌اند. از هواپیمای مزبور بیش از دو تن محمولات نظامی و مهمات بدست آمد. بنظر میرسد که این محمولات بخشی از کمکهای ۱۹ میلیون دلاری C.I.A. به ضدانقلابیون نیکاراگوئه است.

"دانیل اورتنکا" هماهنگ‌کننده دولت انقلابی نیکاراگوئه در مصاحبه‌ای اعلام کرد که ضدانقلابیون با حمایت مستقیم آمریکا دکل‌های برق را در مرز جنوبی کشور با کاتاریکا منفجر کرده‌اند.

• • •

برزیل

در یکی از وسیع‌ترین اعتصابات کاری در برزیل، بیش از سیصد هزار تن از کارگران مزارع نینگر در چهل و پنج شهر شمالی برزیل شرکت نموده و منعکسگر و الکلی سازی این کشور را فلج کردند. این اعتصابات در بعضی از شهرها به زدوخوردهای خونین با پلیس فاشیست برزیل منجر گردید. اعتصابات مذکور بدنبال قطع اضافه حقوق کارگران و وضعیت اقتصادی که در برزیل حاکم است، بوقوع پیوست. کاهن دست‌مزه کارگران و قطع اضافه حقوق آنان، یکی از چندین اقدام با مطلق اقتصاددست که دولت بقیه در صفحه ۲۴

مجاهدین: شکست يك استراتژی

(بخش سوم)

از حقوق کارگران و زحمتکشان ایران نقش آگاه گرایانه خسود را در هر سطح و در هر محیط مبارزاتی و در حدی که رسالت آن را داریم، به انجام رسانیم. ناگفته پیداست که وظیفه اصلی این مبارزه همه جانبه بر عهده نیروهای انقلابی داخل کشور است، اما ما نیز به عنوان هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران وظیفه داریم که در اشاعه این مبارزه در محیطی سالم و سازنده نقش خود را ایفا نمائیم.

با توجه به دلایل بالا، نشریه جهان از این شماره سلسله مقالاتی را به منظور روشن کردن خط و مرزهای نیروهای کمونیستی با انحرافات سازمان مجاهدین در زمینههای سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک آغاز خواهد کرد. باشد که سازمان مجاهدین خلق ایران و هواداران آنها و یاکسانی که خود را مدافع برنامه یا دیدگاه مجاهدین می‌شناسند در رد نظرات ما و اثبات حقانیت مجاهدین، نظراتشان را در معرض قضاوت دیگران قرار دهند. ما گذشته از انتشار این مقالات، برای چندمین بار هواداران سازمان مجاهدین خلق را در شام کشورها دعوت به شرکت در مباحث مورد اختلاف در جنبش انقلابی مینمائیم. چرا که معتقدیم که صحت و قبح نظرات ما میتواند در پروسه بحث‌های سالم و خلایق و سازنده به اثبات رسد.

ناید به جرات بتوان گفت که یکی از مهمترین اشتباهات جنبش کمونیستی ایران، عدم مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی با مجاهدین خلق و در غلطیدن به سیاست مماشات با آنها بوده است که البته این خود ناشی از شرایط خفقان بار جامعه در گذشته و حال، عمده بودن مسئله مقابله با دیکتاتوری حاکم، پراکندگی و ندانم کاری جنبش چپ و بی تجربگی آن در زمینه‌های تئوریک و عملی، دنباله‌روی از حوادث و عدم برخورد به سیاست های انحرافی مجاهدین به خاطر حرکات انقلابی آنها در گذشته... بوده است. درحالیکه تفکیک خط و مرزهای طبقاتی با جریان‌های خورده بورژوازی و ترسیم روند حرکت آنها در شرایط مختلف از اولین وظائف ضروری جنبش چپ میباشد که متاسفانه در گذشته نیروهای چپ به آن توجهی ننمودند. برخورد با سیاست‌های انحرافی مجاهدین از جمله مبارزه همه جانبه سیاسی، ایدئولوژیک و فلسفی با آنها بعنوان نماینده اقشار میانی و تحتانی خورده بورژوازی، تنها در کنار استمرار مبارزه قاطع طبقاتی با رژیم ممکن بود. چپ ایران این وظیفه را انجام نداد. بنظر ما اگرچه امروز نتایج عملی سیاست‌های انحرافی مجاهدین کم و بیش آشکار شده است با اینحال جنبش چپ نباید اشتباهات گذشته را تکرار کند و باید بیرحمانه به افشای ایدئولوژیک - سیاسی نظرات و عملکردهای مجاهدین بپردازد. وظیفه ماست که برای دفاع

عقب نشینی از مواضع گذشته

لازم است برخوردی عام به قشر خورده بورژوازی و موقعیت آنها در ایران بنمائیم.

مارکس و انگلس در مورد ماهیت خورده بورژوازی در دوران قبل از تسلط امپریالیسم در مانیفست حزب کمونیست مینویسند: "صنف متوسط، یعنی صاحبان صنایع کوچک، سوداگران خورده، پیشه‌وران و دهقانان، همگی برای آنکه هستی خود را بعنوان صنف متوسط، از زوال برباهند، با بورژوازی نبرد میکنند. پس آنها انقلابی نیستند بلکه محافظه‌کارند. حتی از این هم بالاتر، آنها مرتجعند، زیرا می‌گوشتند تا چرخ تاریخ را به عقب بازگردانند. اگر آنها انقلابی هم باشند تنها از این جهت است که در معرض این خطرند که بصوف پرولتاریا رانده شوند، لذا از منافع آتی خود دفاع نمیکنند، بلکه از مصالح آتی خویش مدافعه مینمایند، پس نظریات خویش را ترک میگویند تا نظر پرولتاریا را بپذیرند." (مانیفست ص ۵۱)

با گسترش روابط نو استعماری در عصر امپریالیسم حسی خورده بورژوازی سختی بدلیل تضادهای جدید بر سر موقعیت اجتماعی و منافع طبقاتی خود، درگیری‌هایی از موضع عقب‌گرا با امپریالیسم از خود نشان میدهند، این خود بحثی جداگانه است که در این مقاله بحثی پیرامون آن نخواهیم گشود.

در اینجا بحث پیرامون خورده بورژوازی نوین است. بهر حال خورده بورژوازی از هر بخشی که باشد بدلیل وضعیت ناپایدار اقتصادی خود (توام بودن مالکیت و کار) خلعت‌نوسان گر بین پرولتاریا و بورژوازی را دارد. لنین در ارتباط با ماهیت

در متن بخش دوم مقاله اشاره کردیم که: "در شرایطی که رهبران مجاهدین در تلاش مداوم با وثیفه نهادن خون شهیدای سازمان خود و مرعوب کردن مخالفین "شورا" با آن، حاضر نبوده‌اند واقعیت تلخ شکست خط مشی باصطلاح آلترناتیو حکومتی خود را در عمل بپذیرند، اعتبار کلیت ادعای آنها بدلیل:

- ۱) عقب‌نشینی از مواضع انقلابی گذشته خود از جمله به فراموشی سپردن امر مبارزه علیه امپریالیسم
 - ۲) طرح توطئه‌گرایانه قدرت‌گیری از بالا با اتکاء به ارتش ضد خلقی رژیم و نفوذ خیالی بتی صدر در آن
 - ۳) اتکاء به عوامل خارجی و حمایت جناح‌های "دوراندیش" امپریالیست‌ها و بی‌اعتنائی به توده‌ها
 - ۴) برخورد کاسبکارانه و عدم صداقت با مردم
 - ۵) ضدیت‌کینه‌توزانه با نیروهای کمونیست انقلابی
 - ۶) بی‌لیاقتی و ندانم‌کاری رهبران آن
 - ۷) اختلاف با بورژوازی لیبرال و بخصوص بتی صدر با سابقه ارتکاب جنایت و شرکت در سرکوب خلق کرد، ترکمن، کارگران دهقانان و دانشجویان
 - ۸) برملا شدن وعده‌های پوچ و بی‌اساس آنها
- به زیر سؤال رفت. در این بحث به توضیح بیشتری در باره این دلایل خواهیم پرداخت.

۱- مقدمه

قبل از آغاز بحث خاص در مورد مجاهدین و مواضع آنها،

دوگانه نوسان گرای خرده‌بورژوازی می‌نویسد:

"... از دنبال استثمارگران سرمایه‌دار، توده وسیع خرده-بورژوازی گنبد می‌شود که تجربه تاریخی دهها سال تمام کشورها در باره وی نشان می‌دهد که چگونه این توده مورد و متزلزل است، امروز از دنبال پرولتاریا می‌رود و فردا از دشواریهای انقلاب می‌هراسد و از نخستین شکست یا نیمه شکست کارگران دچار سراسیمگی می‌شود، اعصابش به رعشه می‌افتد، خود را به این سو و آن سو می‌زنند، ندیده و زاری میکند، از اردوگاهی به اردوگاه دیگر می‌گریزد." (لنین - انقلاب پرولتری و کثرت‌گرایی)

بنابراین هرگونه تحلیل علمی از خواسته‌های طبقاتی، حرکت مبارزاتی شیوه‌کسب این خواسته‌ها و... خرده‌بورژوازی را پذیرش این پیش‌فرض، یعنی ماهیت دوگانه و نوسان گرای خرده‌بورژوازی انجام می‌گیرد.

در همین قسمت لازم است یک اصل دیگر را نیز اضافه کنیم که در عصر امپریالیسم خرده‌بورژوازی در جوامع عقب مانده و در شرایط تسلط روابط ماقبل سرمایه‌داری، دارای رمانتی است مشابه با آنچه که بورژوازی در اوان رشد سرمایه‌داری در اروپای غربی داشت. بنابراین عجیب نخواهد بود که در اینگونه جوامع، مثل الجزایر و لیبی، تا زمانیکه روابط سرمایه‌داری رشد نیافته و فراماسیون کامل سرمایه‌داری تسلط پیدا نکرده است، نیروهای سیاسی خرده‌بورژوازی را گرایشهای دوگانه و زیکزاک‌های گرایانه و ترقی جویانه، این روند را ادامه دهند. ولسی در همین مقطع خرده‌بورژوازی با کمک امپریالیسم بتدریج به طبقه بورژوازی استحاله می‌یابد و موقعیت را برای آن آماده میکند. اما این مسئله در مورد جوامعی که روابط سرمایه‌داری، چه از نوع کلاسیک و چه شکل وابسته آن، حاکم گردیده است، تبدیل باقی نماندن هیچگونه رمانتی برای رشد روابط سرمایه‌داری، - خرده‌بورژوازی، حتی بخش نوین آن، قادر نیست که با بدست‌گیری قدرت سیاسی نقش ترقی جویانه داشته باشد. در اینگونه جوامع خرده‌بورژوازی تنها زیر رهبری پرولتاریا قادر است نقش مترقی و رشد یابنده‌ای ایفا نماید، مثل ویتنام. و اگر پرولتاریا از چنان قدرتی برخوردار نباشد که خرده‌بورژوازی را زیر رهبری خود هدایت کند و توان او را در جهت ادامه انقلاب گانالیزه نماید، خرده‌بورژوازی یا از بدو مبارزه خود بزیر رهبری بورژوازی خواهد رفت و یا طی فرایند سستی این مسیر را خواهد پیمود.

بنابراین روشن نمائیم که اولاً، زمانیکه از مجاهدین صحبت می‌شود منظور بخش‌هایی از خرده‌بورژوازی نوین است، ثانیاً، تحلیل از آن، در جامعه‌ای مثل جامعه ایران که سرمایه‌داری وابسته از رشد نسبتاً بالایی برخوردار است، انجام می‌گیرد. ثالثاً، در شرایطی است که پرولتاریا از قدرت رهبری طیف وسیع خرده‌بورژوازی برخوردار نیست.

اما نکته دیگری را نیز لازم میدانیم در ارتباط با شرایط ویژه ایران مطرح نمائیم و آن وجود اقتدار وسیع خرده‌بورژوازی است که از ناهمگونی زیادی برخوردارند. این طیف از یک طرف به پرولتاریا و از طرف دیگر به بورژوازی متصل گردیده است. نمایندگان سیاسی بخش‌های مختلف خرده‌بورژوازی ایران (تحتانی، میانی، مرفه) متفاوت اند. بدلیل متحول بودن جامعه، بخش‌های مختلف این طیف قادرند که از سطحی به سطح دیگر منتقل شوند. وقتی در اینجا صحبت از عقب‌نشینی مجاهدین از مواضع قبلی‌شان می‌شود، منظور عقب‌نشینی از منافع خرده‌بورژوازی

تحتانی و میانی است. اما این عقب‌نشینی به معنای این نیست که آنها از این پیرامون بورژوازی استحاله یافته‌اند. کما اینکه اگر زمانی آنها به متحدین واقعی خود یعنی پرولتاریا نزدیک می‌شدند، به معنای استحاله آنها به طبقه کارگر نبود، بلکه باین معنا بود که آنها دریافته‌اند که منافع طولانی مدت خود را باید در دفاع از منافع پرولتاریا جستجو نمایند. بنابراین زمانیکه صحبت از عقب‌نشینی آنها از مواضع قبلی‌شان می‌شود به این معناست که آنها به دفاع و تبلیغ منافع بورژوازی پرداخته اند و در خدمت آنها قرار گرفته‌اند. خلعت نوسان گرای خرده - بورژوازی در واقع تابعی از رشد یا عدم رشد پرولتاریا و موقعیت بورژوازی است. اما در همین جا ممکن است این سؤال پیش‌آید که این چگونه است که سازمان مجاهدین از بورژوازی حاکم و یا بورژوازی بزرگ سلطنت طلب‌طور مستقیم دفاع نمی‌کنند و تنها به ائتلاف با بورژوازی لیبرال بسنده کرده است پاسخ چنین است. - اولاً منافع مجاهدین بعنوان نمایندگان نكسری خرده‌بورژوازی نوین، در تضاد با بورژوازی تجاری ایران (متحد طبیعی خرده‌بورژوازی سنتی ایران) و روابط و فرهنگ شبه فئودالی آنها قرار دارد. از طرف دیگر سازمان مجاهدین در یک دوره تلاش خود را برای جلب رضایت خرده‌بورژوازی سنتی و بورژوازی حاکم بکار گرفت (قبل از ۳۰ خرداد ۶۰). اما بدلیل وجود همان تضادی که ذکر شد، موفقیتی حاصل نگردید. و از طرف دیگر رشد تضاد بین بورژوازی لیبرال (بني‌صدرها) با بورژوازی تجاری و خرده‌بورژوازی سنتی ایران (بخشی از روحانیت و حزب جمهوری اسلامی) و نزدیکی مجاهدین با لیبرالها به پروسه تکوین این جهت‌گیری کمک زیادی نمود. زیرا خرده‌بورژوازی نوین خواستار انقاي روابط کهن، که حاکمیت کنونی مبلغ آن است و برقراری روابط پیشرفته بورژوازی می‌باشد. همچنین - س - نمایندگان خرده‌بورژوازی سنتی (منتظری و خمینی) و بورژوازی عقب‌گرای ایران از رشد مجاهدین بعنوان رقیبی که می‌توانست بخش‌هایی از خرده‌بورژوازی ایران را بسیج کند، خاصه بدلیل تضادیکه در شیوه برداشت آنها از اصول اسلام و نحوه تفسیر سیاسی، اقتصادی هر یک وجود داشت، به تکوین این پروسه سرعت بخشید. اما عدم نزدیکی مجاهدین با بورژوازی بزرگ سلطنت طلب اولاً ناشی از تضاد منافع طبقاتی این دو جریان است ثانیاً فقدان حیثیت و پایه توده‌ای و عدم حمایت صریح امپریالیسم زبورژوازی بزرگ در مقطع کنونی هیچ زمینه‌ای ایجاد نمی‌کند که گرایشی از طرف مجاهدین را نسبت به آنها برانگیزد. اگرچه در یک مقطع جرقه‌هایی از این گرایش‌ها - س - سوی رهبران سازشکار مجاهدین دیده شد، (مثل همکاری غیر مستقیم آنها با سلطنت طلبان معتدل در شهر شیکاگو - آمریکا)

گذشته از مسائل فوق به یک نکته دیگر نیز باید اشاره کرد و آن وجود خلعت‌های دهقانی و خرده‌بورژوازی در طبقه کارگر ایران است که این امر بدلیل رشد مصنوعی و سریع روابط سرمایه‌داری انگلی ایران و مهاجرت عظیم روستائیان به شهرها برای جذب در امور تولیدی مونتاژ و خدمات (۵ میلیون نفر طی یک دهه) می‌باشد. همین خلعت همراه با عدم آگاهی اجتماعی و سیاسی لازم در طبقه کارگر ایران سبب شده است که بسیاری از این کارگران که هنوز خلعت‌های دهقانی خود را حفظ کرده‌اند، جذب خرده - بورژوازی شوند.

با این مقدمه یادآور می‌شویم که برخورد به عقب‌نشینی سازمان مجاهدین از مواضع انقلابی قبلی‌شان در چهار رچوب روابط و اصول فوق الذکر صورت می‌گیرد.

ارتش انقلابی، ارتش ارتجاعی و موضع گیری مجاهدین

شاید رمزی را که مدتها هم سران رژیم جمهوری اسلامی و هم امپریالیستها تلافی میکردند آنرا پنهان دارند، امروز به دلیل تکرار آن دیگر برای کسی بصورت رمز باقی نمانده است. آن - با صلاح رمز چنین بود که درست در روزهایکه امپریالیسم آمریکا به ناتوانی شاه در حفظ قدرت واقف شد و به این نتیجه رسید که شاه باید ایران را ترک کند و انقلاب هر آن می‌رود که ریشه‌ای تر و رادیکال تر شود، برای توقف انقلاب، وارد مذاکره با سران امروزین رژیم جمهوری اسلامی شد تا از جمله نسبت به حفظ و بقا ارتش شاهنشاهی اطمینان حاصل کند، ارگانی که امپریالیسم آمریکا چون مکی دست آموز با اتوریته کامل آنرا برای حفاظت از منافع خود و بورژوازی وابسته ایران تربیت کرده بود و در پیرویه بعد از قیام نشان داد که برآستی چه خوب برای دفاع از منافس - امپریالیسم و سرمایه داران بیرحمانه به قتل عام زحمتکشان می‌پردازد، از قضا شرط اصلی امپریالیسم برای رسیدن به توافق با خمینی و متحدینش، یعنی حفظ و بقا ارتش - نه یک شرط بلکه خواسته مطلوب خود رهبران سازنکار جنبش که شعار "ارتش برادر ماست" را سر داده بودند، نیز بود. بر اساس این توافق ها، بیستین سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی و نمایندگان امپریالیسم بود که بنا شد انتقال قدرت در غیاب توده ها انجام پذیرد، لیک توده ها بر مبنای خواست طبقاتی و غریزی خود برای درهم گوییدن ارتش، این ارگان سرکوب بورژوازی، کمر همت بسته بودند. اما زمانیکه قصد مقابله و نابودی آنرا کردند - با میانجیگری خمینی و مساعیت او، ارتش شاهنشاهی، علیرغم تحمل ضرباتی، همچنان بر جای باقی ماند و نام ارتش جمهوری اسلامی به آن نهاده شد. در پیرویه رشد بحران و کشمکش قدرت عناصر و گروه های ناراضی ارتش تلاش های تازه ای برای باز پس گرفتن موقعیت سابق نمودند که موفق نشدند.

رژیم جمهوری اسلامی پس از شکل گیری، تلافی خود را برای باز سازی ارتش پاسدار سرمایه و ترمیم ضایعات دوران انقلاب بکار گرفت. یعنی ارتش بدون آنکه در نقش سرکوبگرانه آن کوچک ترین تغییری ایجاد شود، بلافاصله پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی مجدداً به سرکوب همان توده ها یکباره ظاهر شد. آنها تسلیم شده بود، پرداخت کردستان و گنبد مورد یورش ارتش پاسداران قرار گرفت و مدها انقلابی توسط ارتش با صلاح انقلابی بیهادت رسیدند.

سازمان مجاهدین در آن مقطع بنا بر خصلت ضد امپریالیستی خود دست به افشای ارتش امپریالیستی و شاهنشاهی یا ارتش جمهوری اسلامی زد و در چندین مقاله که در نشریه مجاهد چاپ شد، ماهیت ضد مردمی ارتش را از دید خود افشا نمود و خصوصیات یک ارتش مردمی را نیز از دیدگاه خود طرح و ترسیم کرد. مثلاً رجوی در مصاحبه یک در نشریه مجاهد شماره ۱۹ درج کردید، بیان داشت که: "بنا بر این ارتش جمهوری اسلامی هم باید دارای محتوای اسلامی باشد. این ارتش تنها وظیفه حراست از مرزها را بعهده دارد، لوله مسلسل و تفنگ سرباز در ارتش جمهوری اسلامی تنها سینه دشمنان خلق را نشانه می‌رود، نه اینکه سینه خلقت را هدف قرار دهد، ارتش اسلامی حتی یک گلوله هم بروی خلق نباید تخلیک کند". اما ارتشی که امروز مجاهدین به توجیه آن پرداخته اند، نه یک گلوله، که هزاران خمپاره و بمب را روی زحمتکشان کرد خالی کرده است. بنا بر این با این دید بنظر میرسد که مجاهدین بدلیل گلوله باران خلق کرد توسط ارتش

جمهوری اسلامی که البته مطلحت ندیدند حرفی از آن بزنند، آنرا بدرستی ارتش مردمی ارزیابی نمی‌کردند. در جای دیگر مجاهدین در باره ارتش اضافه میکنند که: "این مطلب کاملاً صحیح است که ارتش بعنوان ابزار اعمال حاکمیت طبقه یا طبقات حاکم است و علیهذا ارتش خلق یا ارتش مردم جز در خدمت اسلح حاکمیت داخلی و خارجی خلق نباید باشد. و این همان مطلبی است که بارها و بارها بر حسابان خواستار انحلال بنیادی نظام ارتش شاهنشاهی شده و بینانگذاری ارتش مردمی را که دقیقاً در وحدت با پائین ترین طبقات و اقشار جامعه بر می‌پزند، خواستار شده ایم. این خواسته آنقدر صریح و طامع و بی ابهام بوده است که در چهارم اسفند سال گذشته ضمن شدیدترین هشدارها به دولت بازرگان تیشتر اول همه روزنامه های روز شد و چوب آنرا هم تاکنون جبهه متحد ارتجاع - لیبرالیسم (!!!) بما فسران زده و میزند". (مجاهد شماره ۲۵) (تاکید از ماست)

اما کسی این مطلب را درک نکرد که چرا مجاهدین ۱) به ارتشی که بحق آنرا مزدور و ضد مردمی میدانستند در ۳۰ خرداد و پس از آن بعنوان متحد خود تکیه کردند، ۲) چطور شد که مجاهدین با یک سر بوقول خودشان "جبهه متحد ارتجاع - لیبرالیسم" به وحدت رسیدند؟ ۳) مهمتر از همه چرا مجاهدین خلق از عملیات وحشیانه و سرکوبگرانه ارتش در کردستان که به اعتراف حزب دمکرات پاسداران بدون آن کاری نمیتوانستند بکنند، سکوت کرده و روی ارتش حسابهای جدیدی باز کرده اند؟ تا بحدی که حزب دمکرات در نشریه کردستان (شماره ۸۷) خود بدلیل خلاص مجاهدین برای تطهیر چهره خونریز ارتش، آنها را مورد نکوهش قرار میدهد. زیرا که مجاهدین در شرایط کنونی یعنی پس از گذشت ۴ سال از بمباران و وحشیگری های ارتش در کردستان ارزیابی خود را از ارتش چنین ارائه میدهند: "... بدیهی است که رژیم هواره سعی داشته که برای سرکوب کردستان از ارتش حداکثر استفاده را بنماید ولی چه بدلیل آگاهی پرسنل مردمی و ملی ارتش از ماهیت ضد خلقی تهاجمات خمینی به کردستان و چه در رابطه با پیامهای برادر مسعود رجوی به آنها برای پرهیز از شرکت در سرکوب خلق کرد ... رژیم جمهوری خمینی با مشکلاتی روبرو شده است ...". (نقل از نشریه کوردستان شماره ۸۷، ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران) . (تاکیدها از ماست). کافی است دو موضع گیری بالا را با یکدیگر مقایسه کنیم تا عقب نشینی مجاهدین را در مورد ارتش ببایم. پرسیدنی است ارتشی که خود مجاهدین بدلیل ماهیت ضد خلقی آن خواستار انحلال آن بودند چگونه و طی چه پروسه ای توسط رژیم جلا د خمینی به ارتشی بدل شده است که مجاهدین مینویسند آنها از سرکوب خلق کرد پرهیز میکنند! آنها هم بدلیل "آگاهی پرسنل مردمی و ملی ارتش" و "پیامهای برادر مسعود رجوی!! مگر سازمان مجاهدین خلق خود در نشریه مجاهد شماره ۹ ننوشتند که:

"در باره ارتش نیز این خوی تجاوزگر و آتش افروز ه را ارتش را میتوان و باید معلول روابط و مناسبات و خلاصه محتوای آن دانست. و بسته به اینکه این ارتش دارای چه مناسباتی است، در پیوند با کدام اقشار و طبقات اجتماعیست، و در نهایت دارای چه ایدئولوژی است، دقیقاً عملکردهای متناسب با خود را نیز دارا خواهد بود." حال مگر ارتش جمهوری اسلامی بر مبنای کدام مناسبات و برای منافع چه اقشار و طبقاتی عمل میکند که شما روی آن تجدید نظر کرده و افغان را نسبت به آن

متوهم میکنند؟ آیا دلیلی جز عقب نشینی از مواضع قبلی شان و گرایش به جانب طبقات، روابط و مناسباتی که ارتش در خدمت آن است وجود دارد؟

ما بسی آنکس خود مطلب دیگری به این محبت بیفزائیم برخورد حزب دمکرات گردستان، یعنی یکی از نیروهاییک تهاجمات ارتش را طی ۴ سال گذشته با پوست و گوشت خود لیس کرده است، برای اطلاع آن دسته از افرادی که در توهم تبلیغات توجیه گرایانه و مطاحت طلبانه و غیر واقعی مجاهدین قرار دارند، در اینجا نقل میکنیم:

حزب دمکرات گردستان ضمن برخورد به توجیه گری سازشکارانه مجاهدین در باره ارتش و ارزیابی مجاهدین از آن می نویسد: "مفهوم چنین تحلیلی در مورد ارتش بنظر ما کاستن از بار مسئولیت سنگینی است که در تمامی برنامه های سرگوبکرانه رژیم در گردستان بر دوش ارتش قرار گرفته است طی قریب به هالی که از مرحله دوم جنگ رژیم علیه خلق ستم دیده کرد میگذرد، واحدهای ارتش به ویژه واحدهای توپخانه و پیاده نظام نقش تعیین کننده ای در نتیجه درگیری ها داشته اند. توپخانه سنگین ارتش در تمام جبهه ها با بیرحمی هرچه تمامتر و با دقت هرچه بیشتر روستاهای گردستان را گلوله باران میکرد و در این راه حتی به خرمن های گندم، کومه ها (ی) علوفه و دامهای کشاورزان نیز کوچکترین ترحمی نشان نداده است. در طول مدت این سه سال واحدهای ارتش تقریباً با طبق اخلاص در گذاشتن تمام تسلیحات توانا فیهای فنی و تکنیکی و با بهره جویی از کلیه تجربیات نظامی در جنگ گردستان همواره نقش اساسی داشته اند و برخلاف نظر روزنامه مجاهد، مشارکت ارتش تنها محدود به عبور ای "فالانژ" نبوده است." (نشریه گردستان، شماره ۷۸ صفحه ۶) (تاکید از ماست). آیا این خصوصیات همان ارتشی است که مجاهدین آنهمه در مجاهدات شماره ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲ و ... از آن به نام "ارتش خلقی" اسم برده اند؟ که این چنین روی آن حساب باز کرده اند؟

بنابراین روشن میشود که بدلیل اینکه سازمان مجاهدین از نیروهای انقلاب و توده های تحت ستم فاصله گرفته و بسط لیبیرالها نزدیک شده اند نه تنها مواضع و دید قبلی خود را نسبت به ارتش رها نموده و در انشای آن چیزی نمی نویسند، بلکه حتی در خرابی که ۴ سال از جنایات پی در پی آن در گردستان میگذرد، به توجیه آن پرداخته اند. آیا ما در این زمینه اغراق کرده ایم؟ البته گویا ارتش بدلیل پیاپی برادر مسعود رجوی، خلق کرد را دوقبضه و سفارتی سرکوب کرده اند!! اینهم از گنده گوئی های خرده بورژوازی!!

چرا دیگر مجاهدین از امپریالیسم حرفی نمی زنند؟

شاید نیازی به گفتن نباشد که انقلاب ایران بعد از انقلاب دمکراتیک و توده ای خواهان آنست که جامعه را از چنگال امپریالیسم و سرمایه داری وابسته نجات بخشد. بنابراین نمیتوان بدون مذهب بندی و مبارزه قاطع با امپریالیسم و سرمایه داری وابسته خود را انقلابی و خواهان استقلال و دمکراسی دانست. خلق های ایران در وهله اول خواهان استقلال (در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی) از امپریالیسم جهانی هستند، چرا که اصولاً دستیابی به دمکراسی بدون زدودن سلطه امپریالیسم ممکن نخواهد بود، کما اینکه برای کسب استقلال و حفظ آن نیز دمکراسی شرط ضروری است. تفاوت اصلی نیروهای سلطنت طلب و لیبیرالها با نیروهای انقلاب از همین جا نشأت میگیرد. (البته

در همین حد خلاصه نمیشود) آنها قدرت گیری و موجودیت خود را تنها در وابستگی به امپریالیسم میدانند.

قبل از قیام بهمن بدلیل ضعف طبقه کارگر و عمده شدن دیگتاتوری سلطنتی، مبارزه با امپریالیسم همانند مبارزه با سرمایه داری در حد شعارهایی در لابلای نشریات چپ و با حداکثر در شعارهای تظاهرات خیابانی باقی ماند. با قدرت گیری رژیم جمهوری اسلامی ماهیت ادعاهای "ضد امپریالیستی" "روحانیت مبارز" و خرده بورژوازی سنتی و بورژوازی لیبرال عیان شد. توهومات شکست و خط و مرز نیروهای ضد امپریالیست با آنها شفاف تر گردید. اگرچه بسیاری از آنها برای فریب توده ها و خلغ لاج نمودن نیروهای واقعا ضد امپریالیست دست از شعارهای "ضد امپریالیستی" خود برنداشتند ولی دیگر شبهه ای برای نیروهای انقلاب باقی نماند که "مبارزه" ضد امپریالیستی این اقشار و طبقات از چه دریچه ای و با چه انگیزه ای انجام میگردد. در آن میان سازمان مجاهدین خلق، بعنوان نماینده فکری خرده بورژوازی نوین با توجه به سنت های مبارزاتی ضد امپریالیستی این سازمان در صف نیروهای ضد امپریالیست باقی ماند. اما بدنبال ضرباتی که به نیروهای چپ پس از خیانت اکثریت، وارد آمد، مجاهدین بنا بر ماهیت متزلزل خود از نیروهای ضربه خورده واقعا ضد امپریالیست (کمونیستها) فاصله گرفتند. این فاصله ابتدا از طریق نزدیکی آنها با بورژوازی لیبرال که متحده و مدافع امپریالیست های اروپائی است آغاز شد. شروع مناسبات مجاهدین با بنی صدرها و قطب زاده ها و بازارگراها، زمانیکه آنها هنوز از قدرت رانده نشده بودند، سرآغاز تغییر سیاست آنها در برخورد به امپریالیسم بود. تا آن مقطع سازمان مجاهدین با الگوبرداری از تحلیل ها و نوشته های نیروهای کمونیستی دست به افشاگری علیه امپریالیسم میزدند. همانگونه که با الگوبرداری از اقتصاد مارکسیستی سعی میکردند که ابعاد "جامعه بی طبقه توحیدی" را از لابلای آیه های قرآن استخراج نمایند. اما اختلاف آنها با متحدین امپریالیسم، یعنی بورژوازی لیبرال، پیش شرط های رها کردن مواضع قبلی خود علیه امپریالیسم را طلب میکرد. از این پس آنها کاملاً عافیت طلب شده و دور اندیشی بورژوازی لیبرال را پیشه کردند.

تغییر سیاست مجاهدین نسبت به امپریالیسم کاملاً در ارتباط با جهت گیری استراتژیک جدید آنها بوده است. بعد از ۳۰ خرداد از آنجائیکه استراتژی مجاهدین مبتنی بر قدرت گیری از بالا و تکیه بر ارتش نهاده شده بود، جلب حمایت امپریالیستها، بخصوص امپریالیست های اروپائی و موسیال دمکراتها نیز مورد توجه آنها واقع شد و بورژوازی لیبرال که مورد اعتماد امپریالیست ها بود واسطه این نزدیکی قرار گرفت. شاید بتوان یک سری از اهداف سفر رجوی به پاریس را همین دانست. رجوی بارها و بارها در محابه های خود در پاریس به این سیاست شاه کرده است و بقول خودش "شناخته شدگی" بنی صدر، یعنی اعتماد امپریالیستها بسط او را نیز واسطه جلب این حمایت قرار داده اند. تکیه مجاهدین روی این سیاست از طرف دیگر طلب میکرد که آنها را روی امپریالیسم و جنایات آن در جهان سکوت کنند چرا که آنها نمیتوانستند در عین تلاش برای جلب حمایت امپریالیستها، جنایات آنها علیه خلقها را نیز افشا نمایند و آسای توده ها را نسبت به ماهیت ضد بشری امپریالیسم ارتقاء دهند. بنابراین هر جنایتی که در جهان طی این مدت دو سال از جانب امپریالیست ها انجام گرفت از جانب مجاهدین یا دیده اغماض نگریسته شد. قریب به ۳۰ هزار نفر از مردم السالوادور کواتمالا

میراث شوم پینوشه



پلیس شیلی در حال اعمال خشنونت و دستگیری یکی از داندشجویان مخالف رژیم پینوشه

دهال زانفجار کاخ ریاستجمهوری سالوادور آلنده، رئیس جمهور منتخب شیلی بوسیله ارتش کودتاگر آن میگردد. کودتائی که منجر به نابودی اولین دولت دموکراتیک شیلی شد. کودتائی که این بار یکی دیگر از سرپرستگان امپریالیسم آمریکا، اگوستو پینوشه را به قدرت سیاسی رساند. پینوشه بلافاصله پس از غصب قدرت سیاسی به سرکوب سازمانهای سیاسی، رهبران و هواداران آنها و تمام مناسبات ترقی جویانه جامعه پرداخت.

در حقیقت تمامی دوران سیاه دیکتاتوری پینوشه با اعدام، شکنجه و به زندان فرستادن صدها هزار نفر همراه بوده است. دورانی که غیرقانونی شدن تمام سازمانهای سیاسی، بسته شدن مجلس ملی، حمله و شکنجه به تمامی حقوق سیاسی و اجتماعی مردم و هزاران نفر تبعیدی را به دنبال داشته است. پینوشه و اربابانش در عمل نشان دادند که برای نجات خود از گرداب سقوط راهی جز کشتار نمیتوانند در پیش گیرند.

اما میراث شوم پینوشه فقط به کشتار و ویرانی ختم نمیشد، بلکه روی دیگر خود را در وخامت اوضاع سیاسی و ویرانی اقتصادی نشان داد. قبل از اینکه بحران اقتصادی ضربه های خود را به حکومت در سال ۱۹۸۱ وارد آورد و حتی قبل از اینکه "طبقه متوسط" علیه او بها بخیزد، پینوشه با تردید برنامه سیاسی خویش را طرح ریزی می نمود. او فقط به دو حزب در شیلی اجازه فعالیت داد. اولین آنها حزب دموکرات مسیحی که جناح راست میانی رژیم را تشکیل میداد و خواهان بازگشت به وضعیت قبل از کودتا بود با این تفاوت که هیچ سازمان مارکسیستی در آن حق فعالیت نداشته باشد. دومین حزب جناح راست حزب ناسیونالیست شیلی بود که ارتشیان در آن شرکت داشتند و خواهان حفظ رژیم فاشیستی با حمایت گارد ملی بودند. این حزب معتقد بود که تمامی جناحهای مختلف رژیم بایستی بطور مایوی در حکومت شرکت داشته باشند.

ولی پینوشه و همراهانش ایده دیگری را در سر پروراندند. او به این نتیجه رسیده بود که قدرت در دست یک نفر بهتر میتواند انجام را در داخل رژیم حفظ کند! او میتواند نیروهای مخالف را تصفیه یا قدرتشان را محدود و از محلی به محل دیگر انتقال دهد. بالاخره در ژوئن ۱۹۷۴

توانست پینوشه یک شورای فرماندهی متشکل از ۴ نفر که تمامی قدرت را در دست داشتند و عنوان ریاست شورای فرماندهی را با عنوان رئیس جمهور شیلی عوض کند و قدرت را به طور کامل بدست گیرد. از طرفی دیگر پینوشه بایستی حمایت دو حزب را نیز بخود جلب مینمود تا بدین وسیله نیروها و سازمانهای اپوزیسیون را خنثی میکرد. بدین منظور میبایستی توده های مردم را حول دو جناح ارتجاعی و "ملی گرا" گرد می آورد. او به این نتیجه رسیده بود که با این کار تمامی تشکیلات سازمانهای سیاسی مخالف را نابود می سازد. پینوشه بارها خاطر نشان کرده بود که "دموکراسی بهترین وسیله برای رشد مارکسیسم در کشور میباشد". بدینال برنامه مراجعه به "تراژدی عمومی" مسخره ای که پینوشه در سال ۱۹۷۸ برپا نمود قوانین تازه ای را به تصویب رساند. برطبق این قوانین پینوشه تا سال ۱۹۸۹ میتواند در ریاست جمهوری باقی بماند! از طرف دیگر شورای تصمیم گیری ارتش موفقیت ریاست جمهوری او را تا سال ۱۹۹۷ تضمین مینمود. مطابق این قوانین پینوشه قادر میگردد که ۱۰ سناتور را در مجلس تمامی قضا، مباحثان و ناظران را در تمامی شهرها تعیین نماید و بدین ترتیب رئیس جمهور دیکتاتوری خود را در قوه مجریه، مقننه و قضائیه اعمال مینماید بطوریکه حتی اگر مردم شیلی میتوانند نمایندگان خود را به مجلس بفرستند آن نمایندگان کوچکترین دخالتی در امور کشور نمیتوانستند داشته باشند. طرح نابودی تشکیلات سیاسی توسط پینوشه خواه ناخواه برنامه های اقتصادی مخصوص بخود را نیز به دنبال داشت که

توانست پینوشه یک شورای فرماندهی متشکل از ۴ نفر که تمامی قدرت را در دست داشتند و عنوان ریاست شورای فرماندهی را با عنوان رئیس جمهور شیلی عوض کند و قدرت را به طور کامل بدست گیرد. از طرفی دیگر پینوشه بایستی حمایت دو حزب را نیز بخود جلب مینمود تا بدین وسیله نیروها و سازمانهای اپوزیسیون را خنثی میکرد. بدین منظور میبایستی توده های مردم را حول دو جناح ارتجاعی و "ملی گرا" گرد می آورد. او به این نتیجه رسیده بود که با این کار تمامی تشکیلات سازمانهای سیاسی مخالف را نابود می سازد. پینوشه بارها خاطر نشان کرده بود که "دموکراسی بهترین وسیله برای رشد مارکسیسم در کشور میباشد". بدینال برنامه مراجعه به "تراژدی عمومی" مسخره ای که پینوشه در سال ۱۹۷۸ برپا نمود قوانین تازه ای را به تصویب رساند. برطبق این قوانین پینوشه تا سال ۱۹۸۹ میتواند در ریاست جمهوری باقی بماند! از طرف دیگر شورای تصمیم گیری ارتش موفقیت ریاست جمهوری او را تا سال ۱۹۹۷ تضمین مینمود. مطابق این قوانین پینوشه قادر میگردد که ۱۰ سناتور را در مجلس تمامی قضا، مباحثان و ناظران را در تمامی شهرها تعیین نماید و بدین ترتیب رئیس جمهور دیکتاتوری خود را در قوه مجریه، مقننه و قضائیه اعمال مینماید بطوریکه حتی اگر مردم شیلی میتوانند نمایندگان خود را به مجلس بفرستند آن نمایندگان کوچکترین دخالتی در امور کشور نمیتوانستند داشته باشند. طرح نابودی تشکیلات سیاسی توسط پینوشه خواه ناخواه برنامه های اقتصادی مخصوص بخود را نیز به دنبال داشت که

توانست پینوشه یک شورای فرماندهی متشکل از ۴ نفر که تمامی قدرت را در دست داشتند و عنوان ریاست شورای فرماندهی را با عنوان رئیس جمهور شیلی عوض کند و قدرت را به طور کامل بدست گیرد. از طرفی دیگر پینوشه بایستی حمایت دو حزب را نیز بخود جلب مینمود تا بدین وسیله نیروها و سازمانهای اپوزیسیون را خنثی میکرد. بدین منظور میبایستی توده های مردم را حول دو جناح ارتجاعی و "ملی گرا" گرد می آورد. او به این نتیجه رسیده بود که با این کار تمامی تشکیلات سازمانهای سیاسی مخالف را نابود می سازد. پینوشه بارها خاطر نشان کرده بود که "دموکراسی بهترین وسیله برای رشد مارکسیسم در کشور میباشد". بدینال برنامه مراجعه به "تراژدی عمومی" مسخره ای که پینوشه در سال ۱۹۷۸ برپا نمود قوانین تازه ای را به تصویب رساند. برطبق این قوانین پینوشه تا سال ۱۹۸۹ میتواند در ریاست جمهوری باقی بماند! از طرف دیگر شورای تصمیم گیری ارتش موفقیت ریاست جمهوری او را تا سال ۱۹۹۷ تضمین مینمود. مطابق این قوانین پینوشه قادر میگردد که ۱۰ سناتور را در مجلس تمامی قضا، مباحثان و ناظران را در تمامی شهرها تعیین نماید و بدین ترتیب رئیس جمهور دیکتاتوری خود را در قوه مجریه، مقننه و قضائیه اعمال مینماید بطوریکه حتی اگر مردم شیلی میتوانند نمایندگان خود را به مجلس بفرستند آن نمایندگان کوچکترین دخالتی در امور کشور نمیتوانستند داشته باشند. طرح نابودی تشکیلات سیاسی توسط پینوشه خواه ناخواه برنامه های اقتصادی مخصوص بخود را نیز به دنبال داشت که

توانست پینوشه یک شورای فرماندهی متشکل از ۴ نفر که تمامی قدرت را در دست داشتند و عنوان ریاست شورای فرماندهی را با عنوان رئیس جمهور شیلی عوض کند و قدرت را به طور کامل بدست گیرد. از طرفی دیگر پینوشه بایستی حمایت دو حزب را نیز بخود جلب مینمود تا بدین وسیله نیروها و سازمانهای اپوزیسیون را خنثی میکرد. بدین منظور میبایستی توده های مردم را حول دو جناح ارتجاعی و "ملی گرا" گرد می آورد. او به این نتیجه رسیده بود که با این کار تمامی تشکیلات سازمانهای سیاسی مخالف را نابود می سازد. پینوشه بارها خاطر نشان کرده بود که "دموکراسی بهترین وسیله برای رشد مارکسیسم در کشور میباشد". بدینال برنامه مراجعه به "تراژدی عمومی" مسخره ای که پینوشه در سال ۱۹۷۸ برپا نمود قوانین تازه ای را به تصویب رساند. برطبق این قوانین پینوشه تا سال ۱۹۸۹ میتواند در ریاست جمهوری باقی بماند! از طرف دیگر شورای تصمیم گیری ارتش موفقیت ریاست جمهوری او را تا سال ۱۹۹۷ تضمین مینمود. مطابق این قوانین پینوشه قادر میگردد که ۱۰ سناتور را در مجلس تمامی قضا، مباحثان و ناظران را در تمامی شهرها تعیین نماید و بدین ترتیب رئیس جمهور دیکتاتوری خود را در قوه مجریه، مقننه و قضائیه اعمال مینماید بطوریکه حتی اگر مردم شیلی میتوانند نمایندگان خود را به مجلس بفرستند آن نمایندگان کوچکترین دخالتی در امور کشور نمیتوانستند داشته باشند. طرح نابودی تشکیلات سیاسی توسط پینوشه خواه ناخواه برنامه های اقتصادی مخصوص بخود را نیز به دنبال داشت که

توانست پینوشه یک شورای فرماندهی متشکل از ۴ نفر که تمامی قدرت را در دست داشتند و عنوان ریاست شورای فرماندهی را با عنوان رئیس جمهور شیلی عوض کند و قدرت را به طور کامل بدست گیرد. از طرفی دیگر پینوشه بایستی حمایت دو حزب را نیز بخود جلب مینمود تا بدین وسیله نیروها و سازمانهای اپوزیسیون را خنثی میکرد. بدین منظور میبایستی توده های مردم را حول دو جناح ارتجاعی و "ملی گرا" گرد می آورد. او به این نتیجه رسیده بود که با این کار تمامی تشکیلات سازمانهای سیاسی مخالف را نابود می سازد. پینوشه بارها خاطر نشان کرده بود که "دموکراسی بهترین وسیله برای رشد مارکسیسم در کشور میباشد". بدینال برنامه مراجعه به "تراژدی عمومی" مسخره ای که پینوشه در سال ۱۹۷۸ برپا نمود قوانین تازه ای را به تصویب رساند. برطبق این قوانین پینوشه تا سال ۱۹۸۹ میتواند در ریاست جمهوری باقی بماند! از طرف دیگر شورای تصمیم گیری ارتش موفقیت ریاست جمهوری او را تا سال ۱۹۹۷ تضمین مینمود. مطابق این قوانین پینوشه قادر میگردد که ۱۰ سناتور را در مجلس تمامی قضا، مباحثان و ناظران را در تمامی شهرها تعیین نماید و بدین ترتیب رئیس جمهور دیکتاتوری خود را در قوه مجریه، مقننه و قضائیه اعمال مینماید بطوریکه حتی اگر مردم شیلی میتوانند نمایندگان خود را به مجلس بفرستند آن نمایندگان کوچکترین دخالتی در امور کشور نمیتوانستند داشته باشند. طرح نابودی تشکیلات سیاسی توسط پینوشه خواه ناخواه برنامه های اقتصادی مخصوص بخود را نیز به دنبال داشت که

شیکاگو آمریکا تعلیم دیده بودندو طرح یک بازار آزاد را برای سرمایه داران آمریکائی پی ریزی میکردند. در سال ۱۹۷۵ این متخصصین طرح برنامه ای را که شامل دو بخش بود پیشنهاد کردند: (۱) جدا کردن دولت از اقتصاد، بطوریکه در سال ۱۹۸۱ فقط ۱۲ شرکت از ۵۰۷ شرکت در کنترل دولت باقی ماندند. درواقع صاحبان صنایع اصلی با کمک دولت تمامی کارخانجات را به قیمت های ارزان خریداری کردند. (۲) کم کردن مخارج دولت در سال ۱۹۷۹ هزینه دولت برای برنامه "رفاه اجتماعی" ۱۰٪ کمتر از سال ۱۹۶۹ بود. این اقدامات سبب میشد که طرح اقتصادی کاملاً متفاوتی نسبت به زمان آنده در سال ۱۹۷۲ بوجود آید. در درجه اول باید اشاره کرد که در زمان پینوشه قسمت اعظم کارخانه داران نیلی در مقابله با رقبای سرمایه دار آمریکائی خود که از حمایت دولت نیز برخوردار بودند، با ورعستگی روبرو شدند. در درجه دوم شکل و عملکرد تولید کشاورزی به طور وحشتناکی تغییر یافت. نه تنها بیشتر زمین ها شیکه قبل از سال ۱۹۷۳ باز خرید شده بود به مالکان برگردانده شد بلکه نوع جدیدی از کشاورزی مورد اجرا قرار گرفت بطوریکه زمین ها شیکه قبلاً به تولید مواد اصلی غذایی اختصاص داشتند در زمان پینوشه به راضی برای کشت محصولات غیر ضروری مانند گلابی، انگور و هلو بدل شدند که قسمت اعظمی از این محصولات به خارج صادر میشد. نیلی هم اکنون باید ۶۰٪ از کندم مورد نیاز خود را از خارج وارد کند. همچنین سطح تولید ۱۴ محصول اصلی غذایی دیگر تا سالهای ۸۲-۱۹۸۲ به ۳۰٪ پایین تر از تولید متوسط خود کاهش یافت. از طرف دیگر بجای برنامه ریزی برای سرمایه گذاری های تولیدی صنایع داخلی، سرمایه در بخش غیر تولیدی، بورس زمین و موسسات مالی به مصرف میرسید که منجر به تراکم و تمرکز سرمایه های عظیم میگشت. مطابق تحقیقی که در سال ۱۹۷۸ بعمل آمد بخش عظیمی از سرمایه ها در دست دو خانواده که کنترل ۲٪ از ۲۱۰ کارخانه اصلی را به عهده داشتند، گرد آمده است. در واقع شکاف طبقات روز بروز گسترش یافته است. ثروتمندان سرمایه های خود را جهت خرید و فروش زمین ها شیکه در عرض دو هفته به دو برابر قیمت افزایش می یافت و یا خرید اشیاء و لوازم لوکس و اداری صرف می نمودند. در سال ۱۹۷۹ واردات لوازم غیر ضروری از قبیل عطر و تلویزیون تا ۴ برابر افزایش یافت. در اوایل ۱۹۸۲ حتی بزرگترین متخصصین مالی چاره ای برای خلاصی از بحران نیافتند بنابراین چشم امید به بانکهای

بین المللی دوختند تا آنها را از این خطر آنهم در سطح پائین تر نجات دهند اما اقتصاد نیلی با پایه های ضعیف صنعت ملی با کثرت ورزی که بجای تولید محصولات مورد نیاز داخلی به تولید کالاهای صادراتی آنهم در سطح پائین تر، بالا رفتن صنایع لوکس و با بدهی بسیار عظیم به بانکهای امپریالیستی روبرو شده بود.

نیلی بین سالهای ۸۲-۱۹۷۷ حدود ۱۴ بیلیون دلار از بانکهای بین المللی (بنا برخی بیش از ۶ بیلیون دلار در روز) وام گرفته بود. در سال ۱۹۸۲ قروض دولت تا ۱۸ بیلیون دلار افزایش یافت که یکسری از بالاترین سطح قروض مالی در بین کشورهای وابسته می باشد. اما فقط این قروض نبودند که وضعیت بد اقتصادی را به نمایش می گذاشتند. در سال ۱۹۸۱ نیلی با یک رکود اقتصادی بزرگ مواجه بود. درصد بیکاری تا ۳۰٪ بالا رفته بود. تولیدات کارخانجات به ۵۰٪ تولیدات در سال ۱۹۶۹ رسیده بود. تولید ناخالص ملی (GNP) تا ۱۴٪ رکود یافته بود و بحرانها به حد قابل انفجاری رسیده بودند و سرانجام تمامی این بحرانها متخصصین شیکاگویی را وادار به اعتراف کرد که راه حل بیرون رفتن از بحران را علاجی نیست و هر لحظه شدیدتر میشود. در بعدی دیگر برنامه های آموزش و پرورش پینوشه ناراضی را در میان اقشار گوناگون جامعه تسریع نمود. در سال ۱۹۷۹ پینوشه برنامه ریزی در امور تعلیم و تربیت و سایر خدمات اجتماعی را آغاز کرد. تعلیم و تربیتی که وعده آموزش هرچه بهتر را برای ثروتمندان جامعه در برداشت. تعلیم و تربیتی که میتوان شبیه آن را در سیستم تمامی کشورهای سرمایه داری مشاهده نمود. چنانچه پینوشه خطرات این تعلیم و تربیت را به خوبی در گفته هایش مطرح می کند که "اگر آموزش و فرهنگ بهتر را میخواهید به لاس کانس (محل اعیان نشین) بیاورید به شرطی که گرایه خانه ها و مالیات های خود را بپردازید". و این پرداخت مالیاتها و گرایه خانه فقط از عهده ثروتمندان برمی آید. بدین ترتیب آموزش و پرورش بطور کلی جنبه خصوصی پیدا نموده و بیشتر نصیب ثروتمندان میگردد. پینوشه در جایی دیگر میگوید که "اگر دبستانها و دبیرستانها محلی است برای کسب دانش برای آینده که در خدمت کارخانجات قرار گیرند، پس خود کارخانجات باید شهریه محصلین را بپردازند". ایمن قانونی است که از قبل از شروع دبستان برای محصلین به اجرا درمی آید و شامل حال اکثریت مردم نیلی میگردد. در میان

کشورهای جهان در طی دهه اخیر نیلی یکی از آن دسته کشورهایی است که آموزش و پرورش در آن به سطح قابل ملاحظه ای از رکود خود رسیده است. تعداد محصلین در دبیرستانها، کالج ها و دانشگاهها از ۱۴۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۷۲ به ۲۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۵ تقلیل خواهد یافت. البته این تعداد را هم بخشهای مرفه جامعه تشکیل خواهند داد. "فقرا تعلیم خواهند دید تا کارگران و وطن پرستان خوبی باشند"، به عبارت دیگر کارگران و زحمتکشان بایستی گرسنگی بکشند و حتی بمرند تا ثروتمندان چاق تر و پولدارتر گردند. رژیم پینوشه با ایمن برنامه هدف دیگری را نیز دنبال میکند و آن هرچه دورتر نگاه داشتن توده ها از سیاست و قیولاندن قوانین خود به آنان بعنوان قوانین الهی که غیر قابل تغییر میباشد.

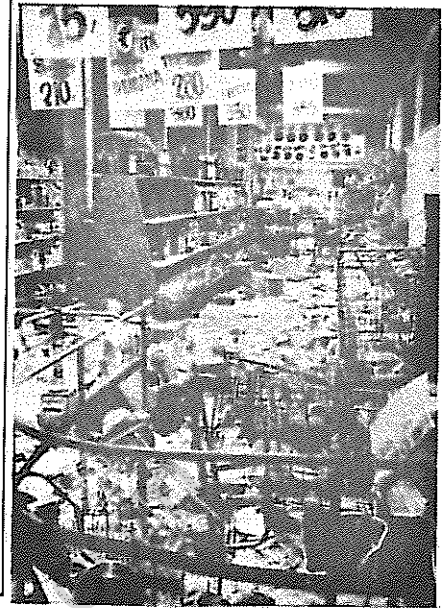
در سال ۱۹۷۸ پینوشه به توده ها قول داد که حکومت نظامی تا موقعی برقرار خواهد بود که وی تغییری کیفی در ساختمان فکری جامعه مشاهده کند و بعد از آن فوراً ارتش شروع به انتشار و پخش تعدادی از وعده نامه های تغییرات اجتماعی و سیاسی را کرد. مبالغه آمیز نیست اگر بگوئیم حکومت نظامی تمام مسائل و رسیدن به هدف را مانند یک سیستم آموزش مدرسه ای می بیند. اینجا نه فقط قوانین ثبت نام در مدرسه بلکه تمامی جهت و فکر مردم باید تغییر می یافت. و این خود شکلی از مدل سیاسی ارتش را که تا چند میتواند از محدوده خود خارج شود، نشان میدهد. اینها تغییراتی بودند که تاثيرات خود را بر روی اقشار جامعه، دانشگاهیان، استادان، کارگران و سایرین می گذاشت.

نتایج اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برنامه های پینوشه بازتاب خود را در ۲۵ مارچ ۱۹۸۲ نشان داد. صدها نفر از مردم نیلی به خیابانهای سانتیاگو آمدند و شعار کار، نان، عدالت و آزادی را دادند. قابل توضیح است که تظاهرات و اعتراض ها شیکه نیز قبلاً صورت میگرفت ولی این تظاهرات شکل دیگری داشت. به قول یکی از استادان که میگفت: "مردم دیگر یاد گرفته اند که از او (پینوشه) نهراسند. او دیگر هیچ هواداری ندارد..." آنجا در خیابان چیزی جز سرنیزه ارتشیان نبود. ولی با سرنیزه همه کار میشود کرد جز نشستن بر روی آن. در کمتر از یک ماه صدها نفر تبدیل به صدها هزار نفر گردیدند. در ماه اگوست پینوشه به ۱۸۰۰۰ نفر ارتشی خود اعلام آتیه بائی داد. برای اولین بار سربازها و نه پلیسها بعد بقیه در صفحه ۲۳

۷۰۰ هزار نفر علیه سیاست نظا میگری آمریکا دست به تظاهرات زدند



West German protesters form a human chain extending 65 miles from Stuttgart to Neu Ulm



Ravaged supermarket in Rio de Janeiro following recent food riots.

توسط امپریالیسم آمریکا، مردم خطر را بیشتر احساس میکنند و برای جلوگیری از این سیاست ضدبشری آمریکا اعتراضاتشان را نیز گسترده مینمایند. ظرف هفته‌های گذشته بیش از ۷۰۰ هزار نفر از مردم کشورهای مختلف اروپا دست به اعتراض و راهپیمایی زدند. در آلمان فدرال اعتراض کنندگان به سیاست تبلیغاتی آمریکا صفی برابر ۶۵ مایل از مردم تشکیل دادند که شواشتوتگارد و نیواولم را بهم متصل کرده‌بود. تصویر بالا صحنه‌ای از این صف را نشان میدهد. ■

با نزدیک شدن تاریخ پیاپی ده کردن موثکهای کروز و برشینگ ۲ در کشورهای مختلف اروپا

خارجی خود از صندوق جهانی پول ۴/۹ میلیارد دلار وام طلب نمود، ولی بعلمت عدم توانایی تسویه حساب در موعد مقرر، اعطای ۸۰۰ میلیون دلار دیگر از وامهای این صندوق به برزیل بحالت تعلیق درآمد. اما سرانجام دولت برزیل شرایط صندوق بین‌المللی پول را جهت دریافت وام پذیرفت. برزیل با نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار وام خارجی، مقروضترین کشور دنیا لقب گرفته است. ■

برزیل به پیشنهاد صندوق جهانی پول، جهت کاهش تورم و مخارج کشور بعمل آورده است. در ماههای اخیر وضعیت اقتصادی برزیل به چنان درجه‌ای رسیده است که بارها مردم محروم و گرسنه به سوپرمارکتها حمله کرده و مواد غذایی را بین خود تقسیم کرده‌اند. نرخ تورم در برزیل به ۱۵۰ درصد رسیده است. سال گذشته برزیل جهت بازپرداخت وامهای

میراث شوم ...

از ده سال امور مربوط به عبور و مرور در شهرها را به عهده گرفتند و در عرض ۳ روز ۲۴ نفر از مردم به قتل رسیدند. اکنون شوندها و همان کودکان و جوانان از فرهنگ محروم شده که بختهای میانی و کارگران را تشکیل میدادند به خیابانها ریخته‌اند تا رژیم دیکتاتوری پینوشه را سرنگون سازند و این چیزی است که پینوشه با چشمان وحشتزده اش مشاهده میکند.

از زمان قدرت‌گیری پینوشه در شیلی، تظاهرات تا ۳ برابر خود افزایش یافته بود. و در این میان نقش سازمانهای مانند جنبش چپ انقلابی (MIR) و اتحاد مسرودی (Popular Unity) که بعنوان سازمانهای مخالف رژیم به مبارزه ادامه داده بودند، نقش بارزی را در گسترش اعتراضات و تظاهرات بهعهده داشته‌اند. از طرفی به هر نسبتی که ففقان و سرکوب در شیلی بالا میرفت بهمان نسبت نیز تعداد بیکاری و نارضایتی گسترش می‌یافت. همینطور جنبش کارگری روز بروز در مقابل قدرت ارتش منسجم‌تر و بر قدرت تر-

رسانده و قوانینش را تنظیم نموده‌اند، به این اصل معجزه‌کننده دیگر روزهای آخر حکومت پینوشه فرا رسیده است. در همان لحظه که دیکتاتور دست و پا می‌زند تا قدرت را برای خود حفظ کند، جناحهای مختلف امپریالیسم آمریکا در جستجوی محافظه‌کار دیگری هستند که به جای او قرار دهند تا نقشه‌های آمریکا را دو باره با شکلی دیگر در شیلی ادامه دهد. اکنون پینوشه به یک سد سیاسی بسدل گشته است که هر آن انتظار شکستش می‌رود. سدی که در پشت سرش سلی است که شامل تغییرات سخت و پیشرفت‌هایی خواهد بود. در این سیل جریان‌های مختلفی وجود دارند که هر یک برداشتهای مختلفی از آزادی و تغییرات دمکراتیک را خواهانند. تنها طی یکفرایند مبارزاتی عمیق و انقلابی است که بخش‌های رادیکال جامعه و در رأس آنها طبقه کارگر شیلی خواهد توانست میراث شوم رژیم پینوشه را که همچون بیماری مزمنی سالها بعد از او نیز آثار مخربش باقی خواهد ماند، از ریشه برکند و جبهه‌ای دیگر بر اردوی خلق - های رها شده و سوسیالیسم باز گشاید.

میکردید. در ماههای مارچ و آوریل بود که این نارضایتی با ردیگر خود را بی برده به نمایش گذارد. در ۲۱ آوریل کنفدراسیون کارگران سرب به اعتصابی وسیع علیه حکومت و تمامی برنامه‌های اقتصادی آن دست زد و حمایت تمامی مردم شیلی را خواستار شد. بعد از اخذ حمایت ۱۲ ماه می را به نام روز ملی اعتصاب اعلام کرده و دست به اعتصاب زدند. بعد از آن برای پینوشه هر روز، روز ملی اعتصاب بود. هر روز تعداد وسیعی از کارگران و دیگر اقشار دست به اعتصاب و تظاهرات علیه او و حکومتش می‌زدند. در اثر بالا گرفتن مقاومت و اعتراضات مردم، پینوشه تغییراتی در کابینه خود داد. از آنجمله چند تن از وزرای دوره آئنده را وارد کابینه نمود و از طرف دیگر و همزمان نقشه حمله ور شدن به صفوف اعتصابیون و تظاهرات کنندگان را میکشید. ولی این کار نیز منجر به تعدیل بحران موجود نگردید. در حقیقت پینوشه بیشتر از زمانی که باید حکومت میکرد، حکومت کرده است. ولی حالا حتی بعضی از دوستان پینوشه بخصوص امپریالیسم آمریکا که او را به قسودت

تشکیل "شورای هماهنگی"

سازمانهای دانشجویی درشیکاگو

مطابق گزارش دریافت شده، انجمن دانشجویان ایرانی در شیکاگو، هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان سراسری دانشجویان ایرانی در آمریکا، هوادار چریکهای فدائی خلق ایران، واحد شیکاگو طی چند نشست که به تدوین مواضع مشترک انجامید، نهایتاً موجودیت "شورای هماهنگی سازمانهای دانشجویی در شیکاگو" را اعلام نمودند. در اعلامیه اعلام موجودیت "شورای هماهنگی" آمده است:

"صف رهبری پرولتری در جنبش ضد امپریالیست-دیگراتیک توده‌ها وجود انواع جریان‌های فرمیتی و سلطنت طلب که امروزه خارج از کشور را مرکز فعالیتهای خود قرار داده‌اند، وظیفه سنگینی را برعهده تشکلهای ضد امپریالیست دانشجویی خارج در شناساندن خواسته‌ها و مواضع پیکار واقعی توده‌ها قرار داده است. از آنجا که در شرایط کنونی این امر تنها با سازماندهی همکارها و اتحاد عملهای مشترک میتواند به پیش‌رود، در جهت تحقق امر اتحاد عمل و همکارهای ضد امپریالیست-دیگراتیک موجودیت "شورای هماهنگی" سازمانهای دانشجویی ایرانی در شیکاگو را اعلام میدارند. "شورای هماهنگی" دارای محتوای و مضمونی ضد امپریالیست-دیگراتیک بوده و فعالیتهای دفاعی-افشاگرانه را محور اصلی کار خود قرار داده و بر مبنای پلتفرم سیاسی-تشکیلاتی تدوین شده به فعالیت خود ادامه خواهد داد. در پایان اعلامیه از تمام سازمانهای ضد امپریالیست دانشجویی دعوت شده که ضمن مبارزه مشترک در چهارچوب "شورای هماهنگی" آنرا به سنگر مبارزه متحد علیه رژیم و امپریالیسم تبدیل کنند.

خطوط اساسی پلتفرم سیاسی-تشکیلاتی "شورای هماهنگی" از جمله پشتیبانی بدون قید و شرط از مبارزات ضد امپریالیست-دیگراتیک و دفاع از مبارزات دیگراتیک مردم، تبلیغ لزوم سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و قطع کامل نفوذ امپریالیسم از ایران، تبلیغ لزوم انهدام ارگانهای سرکوب و نهادهای اقتصادی-اداری و میانی رژیم، افشاگری از رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ای و حمایت از جنبشهای رهاشیش عنوان شده است. بخش تشکیلاتی پلتفرم که دارای ۹ بند



به اجرا گذاشته شد. این آکسیون نیز با استقبال دانشجویان مواجه شد و با بحث و گفتگو پیرامون مسائل ایران به پایان رسید.

نمایشگاه بین المللی کتاب

درفرانکفورت

گزارش فعالیتهای دفاعی و برگزاری غرفه سازمان دانشجویان ایرانی هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در نمایشگاه بین المللی کتاب در فرانکفورت - آلمان در - شهر فرانکفورت بیش از یک میلیون نفر از نمایشگاه جهانی کتاب که از تمام کشورهای جهان در آن شرکت دارند دیدار میکنند.

در سال ۱۹۸۱ که رژیم جمهوری اسلامی برای اولین بار جهت تبلیغات فرهنگ ارتجاعی و سیاستهای ضدبشری غرفه‌ای برپا کرده بود که با اعتراض شدید هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و دیگر نیروهای مترقی مواجه گردید، هواداران با تحصن در محل مربوطه و باره کردن عکسهای خمینی جنایتکار و دیگر سران جمهوری اسلامی غرفه رژیم را به محلی جهت افشاگری جنایات آن در سطح بین المللی تبدیل کردند و با جلب افکار عمومی مسئولین نمایشگاه بین المللی کتاب در فرانکفورت - آلمان را مجبور گردید غرفه‌ای نیز جهت تبلیغ و شناسایی فرهنگ و هنر انقلابی ایران در اختیار سازمان دانشجویان ایرانی هوادار (سجفا) در آلمان فدرال و برلین غربی بگذارند.

است چگونگی پروژه تصمیم گیرها، ورود - اعضای جدید و حقوق هر یک از نیروها درج گردیده است.

گزارش دو آکسیون افشاگری

"شورای هماهنگی"

بدینال سفر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به آمریکا و بمنظور افشای جنایات جمهوری اسلامی از جانب "شورای هماهنگی" سازمانهای دانشجویی در شیکاگو در روزهای جمعه ۳۰ سپتامبر و چهارشنبه ۵ اکتبر نمایشهای افشاگری از جنایات جمهوری اسلامی با موفقیت بسیاری برگزار گردید. اولین آکسیون در مرکز شهر شیکاگو که بعد از چند ساعت ادامه داشت توجه عابرین را بخود جلب نمود. پخش هزاران اعلامیه افشاگرانه همراه با نمایش اعدام، تأثیر بسزایی در افکار عمومی شهر گذارده بود. علاوه بر شرکت فعالانه همه رفقای هوادار سازمان و همچنین رفقای هوادار چریکهای فدائی خلق، تعدادی از دانشجویان ضد امپریالیست نیز در پشتیبانی از اهداف "شورای هماهنگی" در آکسیون شرکت کرده بودند.

آکسیون دوم نیز که در مرکز تجمع دانشجویان در دانشگاه ایلینوی (شیکاگو) برگزار گردید، دهها هزار دانشجویان دانشگاه را متوجه جنایات رژیم جمهوری اسلامی نمود. اعلامیه‌های افشاگری در سطح بسیار وسیعی پخش و نمایش اعدام در چند نقطه دانشگاه

سالروز شهدا تاجمیرا هدار گرامی باد



۲۹ سپتامبر مصداق بود با شهادت رفیق امیر راهدار، هوادار سازمان پیکار (جناح انقلابی). یکسال پیش در چنین روزی خطاهای از طرف "کمیته دفاع از حقوق دموکراتیک خلق ایران" و با شرکت دانشجویان متمدنی و مبارز در شهر بنگلور برگزار گردید که مورد حمله و حشانه و باثان وابسته به رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و رفیق امیر راهدار در این درگیری به شهادت رسید.

یادش گرامی و راهش جاودان باد. بهمین مناسبت و در رابطه با بزرگداشت شهادت رفیق و افشای جنایت رژیم جمهوری اسلامی برنامه ویژه‌ای از سوی سازمان دانشجویان ایرانی در هند، هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برگزار گردید. از جمله حدود ۱۰۰۰۰ اعلامیه انگلیسی در شهرهای پونا، بنگلور، روتک، علیگر، مدرس، دهلی، جیل پور، ایندور، بومال، کانپور، سیور، هوبلی، حیدرآباد، گلبرگا، لودیانا و بمبئی توزیع شد.

واحد پونا به همین مناسبت بیانیه مطبوعاتی در اختیار روزنامه‌ها قرار داد. همچنین از طرف انجمن دانشجویان ایرانی در بنگلور فعالیتهای زیر صورت گرفت:

۱- بیانیه‌ای مطبوعاتی با امضا انجمن دانشجویان ایرانی - بنگلور، انجمن دانشجویان مسلمان و کمیته دفاع از حقوق دموکراتیک مردم ایران در اختیار روزنامه‌ها قرار گرفت.

۲- چاپ کارت یادبود و توزیع وسیع آن در شهرهای مختلف هند

۳- اعلامیه مشترکی با انجمن دانشجویان مسلمان در سطح شهر پخش گردید.

۴- در این روز برنامه ویژه‌ای از سوی انجمن دانشجویان ایرانی بر سر مزار رفیق شهید برگزار گردید. در این برنامه مقاله‌ای از شرح زندگی و فعالیت‌های مبارزاتی رفیق از طرف انجمن دانشجویان ایرانی در هند، هواداران سازمان مجاهدین، هواداران چریک‌های فدائی خلق و هواداران سابق سازمان پیکار (جناح انقلابی) خوانده شد. این برنامه تحت کنترل شدید پلیس به مسدودت یکساعت و نیم بطول انجامید.

جداگانه حرکت کرده بودند مصداق و همزمان با آکسیون سازمان دانشجویان هوادار سففا گردید و این همبستگی نیز مشت محکمتری را بردهاں مزدوران رژیم وارد نکرد.

نمایشگاه کتاب که از روز چهارشنبه آغاز شده بود در روز یکشنبه با موفقیت پایان رسید. در زیر طعنائی از بعضی روزنامه‌های آلمانی ترجمه شده که درج میگردد. ... دانشجویان مخالف رژیم خمینی با گرفتن غرفه میخواستند افکار عمومی را به سرنوشت زندانیان سیاسی در ایران و گشتار دسته‌جمعی رژیم و گشتار کودکان و شکنجه در ایران جلب کنند.

۲۱ ایرانی دفتر هواپیمای ایران را اشغال کردند (چهارشنبه)
... برای مدت یکساعت (۲۲ نفر ایرانی) در فرانکفورت شرکت هواپیمایی ایران را در راه‌آهن اشغال کردند، ایرانیانی که متعلق به "فدائیان خلق" یک سازمان چپ‌گرای ایرانی هستند. میخواستند با این عمل خود افکار عمومی را نسبت به اعداها و شکنجه‌های سیاسی و تحت تعقیب قرار دادن نویسندگان توسط رژیم خمینی جلب کنند.

مخالفین خمینی دفتر ایران را اشغال کردند، آنها وابستگان به چریکهای چپ که در ایران بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه میکنند با پلاکارتهای و شعارهای خود سرنوشت رژیم را میخواهند. آنها خواهان فرستادن یک کمیسیون غیر وابسته در ایران، جهت رسیدگی به وضع و شرایط زندگی زندانیان سیاسی در زندانها هستند.

xxxx امروز هم که روز آخر نمایشگاه بود فرقه ایران بسته ماند آخر هفته گذشته مخالفین رژیم خمینی آنرا اشغال کردند، ... پلیس توانست بگوید که آنها کتابیکه غرفه را بناظر اعدام و شکنجه و نابودی فرهنگ در ایران اشغال کردند همان کسانی بودند که روز چهارشنبه در شرکت هواپیمایی در جلوی راه آهین تظاهرات کرده بودند.

فرانکفورت آلمان دوشنبه ۱۷ اکتبر ۸۳

از آن سال تا حال سازمان دانشجویان هوادار سففا توانست غرفه نمایشگاه کتاب و پوستر را برگذار کند و بنا بر گذاری نمایشگاه عکس و نشان دادن اسلاید کردستان و ماهی سیاه کوچولو، بخش هزاران اعلامیه و روزنامه و نشریات به زبان آلمانی و غیره ... به افشای رژیم جمهوری اسلامی و شناسایی فرهنگ انقلابی ایران بپردازند و رژیم را در محیط و در افکار عمومی منفرد و به انزوا بکشاند.

امسال رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با حیل و تدبیر قصد برگزاری غرفه کتاب را در نمایشگاه داشت با این طریق که نام خود را در لیست مربوط به شرکت کنندگان در غرفه فرانکفورت ثبت نکرد تا شاید بدین طریق بتواند خود را از "شر" سازمان هوادار سففا و دیگر عناصر و نیروهای متمدنی برهاند و با خیال خود با نام غرفه مطبوعات ایرانی در نمایشگاه شرکت کند.

اما دانشجویان هوادار سففا با آگاهی و شناخت از رژیم جنایتکار و حیل گر جمهوری اسلامی برنامه ریزی جهت جلوگیری از برگزاری احتمالی غرفه رژیم را در فرانکفورت همچون سالهای قبل با اشغال شرکت هواپیمایی را طرح ریزی کرده بودند که در روز شنبه ساعت ۳ بعد از ظهر به مرحله اجرا درآمد.

دو روز قبل از انجام آکسیون جهت آماده کردن افکار عمومی، نمایشگاه اعدام با مانگ خمینی توسط رفتای هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران جلوی غرفه رژیم صورت گرفت که گزارش آن از طریق شبکه خبری تلویزیون سراسری آلمان پخش گردید. در این بخش از خبر که عاملین و مزدوران رژیم هم از گرفتن فیلم و نشان دادن صحنه اعدام توسط خمینی جنایتکار را مانع میشوند خود به حرکتی افشاگرانه علیه مزدوران جمهوری اسلامی تبدیل شد.

در این روز که بعضی از گروههای سیاسی دیگر، جهت جلوگیری از برگزاری غرفه رژیم



نمایشگاه کتاب در اتریش - وین

اطلاعه



نمایندگان سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز، هموادر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در جلسه‌ای در شهر دری (Derry) با نمایندگان Provisional Sinn Fein (ارتش جمهوری خواه ایرلند) و I.R.S.P. (جناح سیاسی ارتش‌های بخش ملی ایرلند)، نمایندگان مطبوعات ایرلند شمالی و خانواده ۲ تن از شهدای اعتصاب غذای سال ۱۹۸۱ ملاقات کردند. در این جلسه نمایندگان سیاسی سازمان عمده ایرلند پدر "پاتسی اوهارا" و خواهر "میکی دیوان" کشتار کمونیست‌ها و انقلابیون را در جمهوری اسلامی ایران شدیداً محکوم کردند و خواستار پایان فوری اعدام‌ها، سرکوب جنبش طبقه کارگر و سرکوب مبارزات بحق خلق کرد شدند. در این جلسه سازمان‌های ایرلندی و خانواده شهدای اعتصاب غذا نفرت‌خسود را از سوءاستفاده رژیم جمهوری اسلامی در دفاع فریبکارانه از مبارزات خلق ایرلند اعلام داشتند. در پایان جلسه تلگرافی به همین مضمون به مقامات جمهوری اسلامی فرستاده شد.

در پی همین دیدار، نمایندگان ارتش جمهوری خواه ایرلند (Provisional Sinn Fein) و ارتش‌های بخش ملی ایرلند (I.R.S.P.) از برنامه سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در رابطه با لزوم سرنگونی تهرامیز رژیم جمهوری اسلامی، در همه شکستن ماشین دولتی، لزوم جدائی دین از دولت و انقلاب اجتماعی حمایت کردند.

۱۴ اکتبر ۱۹۸۳
سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز، هموادر سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

گزارش سمینار تدارک

۲۳-۲۲ اکتبر - لوس آنجلس

در تاریخ ۲۲-۲۳ اکتبر سمیناری متشکل از هواداران سازمانهای انقلابی و همچنین گروه‌ها و افراد مستقل در شهر لوس آنجلس برگزار گردید. در این نشست که بمنظور بررسی چگونگی همکاری و حرکت مشترک در شهر لوس آنجلس برگزار میشد و در دو روز به مدت تقریباً ۱۷ ساعت بطول انجام می‌داد، حدود ۸۰ تا ۹۰ نفر شرکت کردند. بحث‌ها با ارائه مقالات از طرف سازمانها و گروه‌ها شروع و در ادامه آن با بحث‌های آزاد به پایان رسید. در مراحل اولیه، بحث‌های ارائه شده بسیار ناهمگون و گسترده بوده و از کنترل کارگری تا سیاست خارجی را در بر میگرفت. در اواخر سمینار سبوس کمیسیونی از علاقمندان بمنظور ارائه یک برنامه عمل مشترک تشکیل گردید. در سبوس کمیسیون فوق‌الذکر بحث‌ها جهت‌دار شده و عمدتاً در دیدگاه (طیف) حول محور دو آلترناتیو ارائه شد: (الف) اتحاد عمل روی مسائل مشخص و مرمز امروز، (ب) ایجاد سازمان دمکراتیک سراسری (احیاء کنگره-سیون) از آنجاقیکه این دو جنبش نتوانستند به توافق برسند در نتیجه جمع بندی چگونگی حرکت‌آتی نیز ارائه داده شد. در ادامه جلسه فوق که به هفته بعد موکول گردید و

در دو هفته متوالی بعد از آن نیز ادامه داشت، عمده ارائه دهندگان آلترناتیو (ب) (ایجاد سازمان دمکراتیک سراسری) به غیر عملی بودن آن در این مقطع پی برده و آلترناتیو اتحاد عمل مشخص در چهار چوب یک سازمان دمکراتیک محلی را پیش کشیدند. این دیدگاه اگرچه بدرستی در لزوم یک تشکیلات برای پیشبرد امر مبارزاتی پای میفشد، اما در عین حال بنا به درک نادرست از چگونگی همکاری مشترک و قائل شدن فرق بین مراحل آغازین همکاری و نتیجه آن و بدون هیچگونه پیش شرط سیاسی برای ایجاد همکاری عالی تر، خواهان تشکیل فوری یک سازمان دمکراتیک بودند. درست است که وضعیت کنونی همکاری هرچه وسیع تر نیروها را ایجاب میکند، اما این نمیتواند توجیهگر پرهیز از پروه‌های لازم و ضروری چنین اتحاداتی باشد.

جلسات فوق نشان داد که چه دره عظیمی ما را در مورد بند "حمایت از جنبش‌های رهایی بخش" جدا میکند. ما حتی نتوانستیم روی بند "حمایت از کارگران و زمینکشان سراسر جهان" و "دفاع از سازمانهای انقلابی داخل کشور" توافق کنیم، چرا که بین شرکت کنندگان در این جلسات گروه‌هایی هستند که مثلاً دولت انقلابی ویتنام و کوبا را از کارگران این کشورها جدا دانسته، آنها را "وابسته به امپریالیسم" میدانند. بنا بر این مباحثات فوق نشان داد که

اشغال دفتر

بین المللی انعکاس یافت و مطبوعات آلمان فدرال علیرغم رابطه بسیار حسنه، بارزیم جنایتکار جمهوری اسلامی مجبوره درج این خبر از تلویزیون سراسری و شبکه های خبری با ذکر نام برگذار کننده آکسیون شدند. همچنین این حرکت توانست در مطبوعات

و وسائل ارتباط جمعی دیگر کشورها از جمله اتریش، هلند، یونان و... نیز انعکاس نماید. رفقای سازمان دانشجویان ایرانی هوادر سچفا در آلمان زمانی این حرکت را با موفقیت به انجام رساندند که جنبش دانشجویی در آلمان در یک رکودی سابقه فرو رفته بود و سرخوردگی ویاس در پاره‌ای از محافل و عناصر به نقطه اوج خود رسیده، بریدگان از انقلاب آیه یاس و نومیدی را هر روز بلندتر سر میدهند، و مرتدین پناه آورده به بورژوازی به توطئه های سنگین خود علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ادامه میدهند، بگذار که مشتاقان نابودی سازمان رزمنده پروتاریه ایران یعنی سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق ایران در روپاهای شرم خود فرو روند. فدائیان خلق در هر کجا که باشند با پیگیری و تزلزل ناپذیری خود مثل گذشته در جهت اهداف و آرمانهای انقلابی کارگران و زحمت کثان میهنان به پیش میروند و هواداران آن با پشتیبانی بی دریغ و عمل مبارزاتیشان از سازمان خود مشت محکمی بردها دشمنان انقلاب و سازمان میکوبند. سازمان دانشجویان ایرانی هوادر (سچفا) در آلمان فدرال و برلن فربس

تجمع در یک سازمان "دمکراتیک" در لحظه کنونی چقدر بی محتوا خواهد بود. نتیجه این شد که دو جریان فوق (۱- معتقد به "اتحاد عمل روی مسائل مرمز و مشخص" ۲- معتقدین به "ایجاد سازمان دمکراتیک") توافق کردند که هر کدام برنامه ریزی جدا گانه‌ای را پیش برند و در عین حرکت مستقل روی مسائل مورد توافق (دفاع از سبازات کردستان، زندانیان سیاسی...) در آینده اتحاد عمل داشته باشند. در خاتمه ذکر این نکته ضروری است که از بحث‌ها اینطور استنباط میشود که ارائه دهندگان آلترناتیو دوم (سازمان دمکراتیک) خواهان ایجاد تجمعی برای بحث‌های نظری میباشد که در حال حاضر نافذ آن هستند. اما این نکته هنوز برای ما روشن است که چرا در جلسات هفتگی سازمان ما که بطور متوسط حدود ۵۰ تا ۶۰ نفر در آن شرکت مینمایند و شرکت و اظهار نظر برای کلیه نیروها و افراد مترقی آزاد بوده و هر هفته بحث‌های متفاوتی ارائه میگردد، شرکت نمیکند تا به ارائه نظرات خود بپردازند.